

بها ۱/۵ مارک

### شکست انتخاباتی سازندنیست ها

در مبارزه انتخاباتی که روز ۲۵ فوریه ۹۰ در نیکاراگوئه برگزار شد، دانیل اورتگا رئیس جمهور نیکاراگوئه، رهبر و کاندیدای "جبهه آزادی بخش ملی سازندنیست" از خانم ویلتا جامورو نامزد ۱۴ حزب و گروه که زیر عنوان "اتحادیه اپوزیسیون ملی" (یو-ان-او) "UNO" متحد شده بودند، شکست خورد.

انتخابات نیکاراگوئه با حضور بیش از ۶ هزار ناظر خارجی که در میان آنان نمایندگان از سازمان ملل متحد، سازمان کشورهای آمریکایی و هیأتی از آمریکا به سرپرستی جیمی کارتر رئیس جمهوری سابق آمریکا حضور داشتند برگزار شد. سازمان ملل بر این انتخابات نظارت کامل خود را اعمال نموده است.

۴

۱۳ اعتصاب و تظاهرات کارگران گروه صنعتی ملی

۲ بیمار زحمتکشان خجسته باد!

۳ زنان آرام اما استوار می آیند!

۱۶ تظاهرات هزاران نفری در تهران . . .

۱۲ اعتصاب کلگری و تداوم حرکات اعتراضی در ایران

۲۶ دعوت به جلسه اطلاعاتی پیرامون قانون خارجهها

۲۴ دعوت به کنگره دهم جنبش پناهندگان و مهاجرین

۲۳ یادداشتی در حاشیه ضرورت برخورد با دین

در این شماره :  
اخبار

۱۸ پناهندگان و مهاجرین

۱۳ اخبار کارگری

اخبار ایران

و

جهان

### مصاحبه با تشکلها، جریانات

و نیروهای مترقی و پیشرو - ۱

مقدمه

یکی از ضعفها و کمبودهایی که در حال حاضر در مبارزات مهاجرین و پناهندگان ایرانی برای احقاق حقوقشان وجود دارد، اینست که در بین ایرانیان ساخت درستی از تشکلها و جریانات پیشرو، مترقی و کارگری منتهیهای دیگر وجود ندارد. به این ترتیب مبارزات تشکلهای مختلف ایرانی - اگر بتوانند اصولاً مبارزه‌ای راه پیش ببرند - عمدتاً در سطح ایرانیها محدود باقی میماند و ارتباط نزدیکی با تشکلها و جریانات ملیتهای دیگر و همچنین نیروهای پیشرو و مترقی آلمانی برقرار نمی شود.

به این ترتیب ما در تجربه روزانمان مکرراً شاهد هستیم که تشکلها و جریانات مختلف از ملیتهای گوناگون وجود دارند که برای امور

۱۴

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی - زنده باد انقلاب

### بهار زحمتکشان خجسته باد!

آه! امروز در ایران شهر ما چه میگذرد. پدرانمان بضاعت آشنان نیست که کت برادر کوچکشان طی را نوتند. آن خواهر طبق دارپیر فروشان اسال نیز حوسن سالیان بیش نتوانست چادر نماز کهنه و نیند ایش را نو کند. کارگری بیگار از شرم دستان خالی شب را در وقت به خانه برگشت تا از برق نگاه زن و نود کاش خسود را بر حذر دارد. جوان پیر در کمرکش تیه سرسبز بالای آبادی، غم کهنه هزاران ساله اش را در زنی لبک جویبیشی دمد. سمسوار ایل از زخم خنجر دشمن خویسین است و دندان انتقام به جگر می ساید. پیشمگی فهیرمان ایستاده بر قله ای بلند سرود عشق را از دهانه سرخ تنگش می سزاید و پژواک آن سرتاسر خاک مهین را در می نوردد و لیزه می اندازد در چهارستون بدن مزدوران. شلاق دژ خنی کشف پای رضی را شیار می زند. طنین سرود رضی سکوت سحرگاه اوین را در هم می شنند و فرمان آتش مزدوری، پرستوی عاشقی را به خون خود می طقاند و فردا مادری در کنار گور شهیدی زانوان غم به بغل گرفته است. نشاط و شادی رخت خود از دیار به برسته است، آنچه سخن است از کشتار و اعدام و داراست. سردمداران جمهوری سرمایه، دشمنان عشق و مهر، از آجاشی که با هر چه شور و شادی و سرزندگی است و هر آنچه نام زندگی و پویندی بر آن است، درستیزند اعلام داشته اند:

ما عید نداریم، چرا که فرزندان شما انبوه گرسنگان را در جیبه ها و میدانهای تیرباران قرمی کرده ایم تا پایه های سته کاری خود را مستحکم نمائیم.

توده های کارگر و زحمتکش مهین ما در شرایطی به استقبال سال نو می روند که خفاش خون آشام دیکتاتوری و اختناق سایه سیاه و شوم خود را بر تمامی سطوح زندگی آنان گسترانیده است. هر صدای آزادخواهی را در گلو خفه می کنند، سفیر گوله در تپه های اوین و کوهر دست و میدان چیتر و هر جای جای مهین به خون نشتت سکوت دل انگیز سحر را در هم می شکند. جویه های دار آذین بند میادین شهرها گشته هر کجا مراسم سنگ باران زنی نکونخت بر پاست. فساد و دزدی و فحشا تا اعناق جامعه رسته دوانیده. میلیونها جوان در جنگال اهرمن اعتیاد، این ره آورد نظام سرمایه، اسپرند. فقر و گرسنگی بیداد می کند. گوی میلیونها کارگر بیکار در دستهای بی رحم فقر و گرسنگی فشرده میشود.

بحران اقتصادی تمام نشوئات جامعه را در نوردیده است و باران برزندگی زحمتکشان سرشکن شده است. معیارها و ارزشهای انسانی را پایمال کرده اند. بازار - اشاهه جهل و خرافه همچنان داغ است. رژیم جمهوری اسلامی سخت ترین شرایط غیر انسانی را بر زندگی زحمتکشان مهین ما تحمیل نموده است و با سر نیزه ستم از آن حفاظت می نماید. اما چنین نخواهد ماند و بهار زندگی رنجبران از دل ایسن سباهی و تیرگی بر خواهد دمید. و مبارزات امروز کارگران و توده های دربند اگر چه افت محسوسی نموده است و مبارزات آنها بصورت جیره هانی خود را نشان میدهد ولی همین جیره ها نوید دهنده روزی است که شعله های خشم طبقاتی کارگران بر خواهد دمید و طومار هر آنچه ستم و تبهکاری است را در هم خواهد پیچید و بهار بهروز کارگران از پس این زمستان سخت و ستمگاری سر خواهد زد. بهاری آزاد و - دنیائی نو که در آن نان و آزادی به تساوی تقسیم خواهد شد. به امید بهاران بهروز آینده. بهار بر همه زحمتکشان مبارک و مهین باد.

( رحمان )

★ - بهار رسال نو و عهد با زندگی مردم ایران عین شده است. شاید به درستی نتوان به تاریخ این سنت دیرپا دست یافت، چنانکه تاریخ نگاران ویا ادبیا، واقعه های مختلفی را ابتدا این جشن پسر شکوه ذکر میکنند. اما تا خاطره زندگی نسلی از دورود راز تاریخ ایران گواهی میدهد، رد پهای این سنت خجسته پیداست.

توضیح از ماهنامه پویش

★★★

بهار از راه میرسد با طر شلوفه های رنگینش، با رویش بنفشه و گی پونه های زیبا در مسیر رودخانه ها، با زمزمه و ترنم جویبارهای پیچنده در زرفای دره های خم و سرسبز، بهار می آید با شفا یقهای سرخس در گد مزارهای خونین ترکمن.

بهار می آید با لاله های سرخ و خونینش در لوهپایه ها و قله های سرکش و مغرور کردستان انقلای.

بهار می آید و آذین می بندد کوه و دست و دمن و صحرا را با سنبل و یاسمین و طرا قاقیا، و پرواز دل انگیز پرستوهای عاشق و مهاجر بشارت میدهد آغاز زندگی نوین.

بهار بار د پگر فرا میرسد و سار و ضاره و بلبل با آوازی دلنشین می سراینند ترانه مرگ بیروت و سرما و نخوت زمستان را. بهار، زایشگر نور نشاط و سرزندگی است از بطن خاک تیره زمستان. بهار می آید و تالو خورشید نیمروزاش می گسلد از هم، بند از بند پنج. ها و برفها، این آخرین نشانه های نخوت و سرمای زمستان در طه های بلند و سرفراز البرز و الوند و ارسباران و برهم میزند بساط سرد و ساکت و بی روح، مجوزه پیر جادوگر، تنه سرمای لوس و لوجج را و صراوت و تازگی و نشاط می بخند به تن همه ظفهای بیابانی.

صیبت جان تازه ای بخود می گیرد، زندگانی نوینی آغاز میشود از بطن شکست لشکر محسوس، سرما و نخوت زمستانی. بهار طبیعت بیان و جلوه بهروزی زندگانی نوین است بر دنیای کهنه و فرتوت، طبه عشق و نشاط است بر نفرت و تباهی، نشان و گواه تعویق تازگی و یاکندگی است بر هر آنچه کهن است و میزنده، آئینه تمام نامی آسال و آرزوی رهائی میلیونها انسان در قید ستم و استثمار و بندگی ناسی از جامعه طبقاتی است که در امیدهای ایدی خویش برای آن مبارزه می نمایند. بهار می آید و طنین گامهای پر طنینش پیام آور روزهای پر شکوه آینده و امید بخش مبارزات امروز برای بنیان مردانی روشن و بنای جامعه ای طاری از ستم و پردگی بر ویرانه های نظام طبقاتی که در آن انبوه ثروت اجتماعی در یک قطب انباشته شده و میلیونها انسان از اردوی بی شمار کار در فقر و بی خانمانی غومه می خورند و قول استثمار تیره جانشان را می - مکت.

اولین روز بهار، نوروز، سنت دیر پای ایران شهر، مفهوم نشاط و شادی و سرور، روز آتش امروزی بر باسهای بی نشان از برف و سرما، روز زدودن زنگار غم از سینه های پسر آندوه و خاموش، روز بیرون آمدن بر زیگران که زمستان را به امید بهار چشم داشته اند و گشودن بازوان و فسردن دستهای رنج بر دسه دلس و خیش و هجوم بر فرا خنسای دشت و ناویدن زمین سیخت به بازوی کار، به امید فردای بهتر، نه بدین گونه که هست فرداشی با نان و آب و آزادی. نوروز این سنت کهنسال، بر جای مانده از روزگاران دور، یاد آور گاو جرمیه پش، راده رنج، کوبنده آهن و فولاد، سازنده دلس و خیش و شمشیر، در آویخته با ننگ و سندان در گرمای کوره آتش. گاو، بازوی غیرت مردمان خویش، جرمیه خویش درفش کرد، خورشید پشان رهد و شورید جوانان آتش بر هر آنچه که درد بود و ستم بود و گرسنگی و هر آنکه درد می آفرید و رنج و مغز سز جویگان، خورش ماران جای گرفته بر دوش خویش میگرد گاو شورید، ضحاک از سریر خون السود فرو افتد و به دماندش به بند کشید. و فرهاد بر آمد از مردمان، که آنک، ایسن

است فرجام هر آنچه ستم و گرسنگی به ارمغان آورد برای ما. درفش گاو بیان و جلوه آرزوی دیرین رهائی رنجبران و بزرگان. درفش گاو رویای سفره پر نان بود نرسد تپی دستان و خالی سفرگان. دریفا نشد آنچه که باید میشد و شد آنچه نیاید میشد. ستمگری دیگر از تبار شاهان بر سر سر ستم تکه زد. فریدون بر تخت پسر نشست و نیزه ستم فرو کوبید بر سینه های پر درد انبوه ظلم گرسنگان و برهنگان. و تازبانه ستم حلم راند بر رنجبران و بزرگان، جوانان پیش از آن و نیز بعد از آن. و اما نوروز، یاد آور قیام گاو آهنگر است و چنین است که ایسن سنت بر جای مانده از روزگاران دور را، مردمان ایران شهر پاس میدارند.

و امروز، بر ایران زمین ما چه میگذرد. ده سال و اندی پیش از این، اردوی بی شماران رنج و کار، شوریدند بر تاجداران و سلاله شاهان، در نبردی سخت، حملات ها آفریدند، در آتی طومار تنگین شاهان در هم پیچیدند، به امید که در دیرین رهائی و نان. دریفا که شد آنچه نباید می شد. این بار نیز ستم بارگانی دیگر، بر تخت جلوس کردند و خورد نمودن استخوان پشت رنج و کار را در زیر سم ستوران ظلم و ستم و استثمار سرمایه.

### زنان آرام اما استوار می آیند!

۸۲ سال از مبارزه زنان دلیور آمریکا میگذرد. در ۸ مارس ۱۹۰۷ زنان کارگر کارخانه نساجی نیویورک برای تساوی حقوق اقتصادی، اجتماعی با مردان مبارزه بهرمانانه ای را بر پایه سرمایه داران و دولت حامی آن سازمان دادند. با الهام از مبارزه جنبش زنان نیویورک، کلازاگین زن کمونیست آلمانی در دومین کنفرانس بین المللی زنان پیشنهاد نمود که این روز بعنوان "روز زن" شناخته شود که با اکثریت آرا به تصویب رسید.

مبارزه زنان از آن پس هیچگاه قطع نشده و به اشکال مختلف تا کنون ادامه یافته است. این مبارزات در سیر و تداوم خود در ۱۹۱۷ با انقلاب اکثریت به نتیجه رسید و حق رای مساوی زنان با مردان در کشور شوراها علی گردید. در حالیکه جهان سرمایه داری و تمدن تا جنگ جهانی دوم نیز حق رای برابر زن و مرد را به رسمیت نشناخته بود و در برابر آن مقاومت می نمود.

اینک ما در شرایطی روز جهانی زن را گرامی میداریم که زنان ستدیده سرزمین ما در یکی از بدترین و وحشیانه ترین شرایط اجتماعی بسر می برند.

در ایران: امت حزب الله رژیم اسلامی در خیابانها عریضه میکند و بر روی صورت زنان اسید می باشد.

در ایران: زنان نه تنها از حقوق مساوی در برابر کارسای با مردان برخوردار نیستند بلکه از کار در بسیاری از حرفه ها و شغلها محروم می باشند.

در ایران: زنان نه تنها از آزادی پوشش برخوردار نیستند بلکه اجبار می یابند حجاب بر سر نمایند و گرنه با نعره های وحشیانه "یا روسی یا توریستی" خواهان زینب و پاسداران هت مجامع خواهند شد. اگر رژیم پهلوی با زور حساب از سر زنان بخاطر استفاده از نسای کارآزان آنان برداشت، رژیم جمهوری اسلامی بخاطر اعتقادات سیاسی، ایدئولوژیک خویش آنها را در پستی خانه ها محبوس کرد.

در ایران: زنان نمی توانند نه تنها در بسیاری از رشته ها تحصیل نمایند بلکه از امکانات تحصیلی که در زمان رژیم پهلوی بدست آورده بودند نیز محروم گردیدند.

در ایران: حدود ۸۰٪ از زنان بین سنین ۲۰ تا ۴۰ سال یعنی سنینی که به بهترین نحوی می توان از انرژی و توان آنها به نفع جامعه سود جست، به خانه داری مشغولند. نزدیک ۵۴٪ زنان شاغل ما را تولید کنندگان خانگی و کارآموزان بدون مزد تشکیل میدهد. در ایران ۳۵٪ از زنان با سواد هستند و از ۸۴ رشته عرضه شده در گروه ریاضی - فنی، آنها از ۵۵ رشته تحصیلی در این گروه محروم هستند.

در ایران: نه تنها مادران از حق سرپرستی کودکان و جگر گوشه گان محرومند بلکه پدر بزرگ یا صبی کودکان بر او تقدم دارند.

در ایران: زنان در زندان به این طکت که اگر با کره کتف شوند به بهشت خواهند رفت مورد تجاوز جنسی پاسداران مزارع برند و نتایج آن "بیوه" و "دختر" بصورت یک کله ضد پس از اعدام شرع خانواده اش پرداخت میگردد.

اگر یکی از معیارهای تعیین ایده آلهای انسانی یک حاکمیت، اگر یکی از دلایل ترقی خواهی یک حکومت، نگرش و نحوه برخورد آن نسبت به زنان می باشد.

رژیم جمهوری اسلامی را می توان با قاطعیت بدست ترین و حیوانی ترین حکومت دنیا نامید. اگر عقب مانده ترین کشورهای سرمایه داری در قوانین مدنی خود ظاهرآ برابری زن و مرد را پذیرفته اند. رژیم جمهوری اسلامی حتی در این حوزه نیز از تصویب قوانین عهد دنیائوس "نسای" در قانون اساسی خویش خودداری ننموده است.

در جمهوری اسلامی زنان صرفا از ستم جنسی و طبقاتی در ذاب نیستند بلکه بخاطر حامیت یک رژیم ایدئولوژیک مذهبی نیز در رنج اند. آنها زنان را نه بعنوان انسان بلکه بعنوان جنس مینگرد و زن از دیدگاه آنها مظهری است از زندگی جنسی (زنان گشتار شما پند برای کشت به آنها نزدیک شوید هر گاه و هر جا معاشرت آنها خواهید). سوره بقره آیه ۲۲۴

اما زنان مهربان ایران در برابر این همه رنج ها و ستمها نه تنها تسلیم و تسلیم ننموده اند بلکه به انواع و اقسام گوناگون در برابر جمهوری اسلامی مقاومت نموده اند. براساسی امروزه هیچ جنبش انقلابی در ایران بدون تکیه بر مادران و خواهران و همسران زحمتکش امکان پیروزی ندارد. مسئله رهایی زن تنها به زنان زحمتکش منحصر نمی گردد بلکه کلیه زنان را در بر می گیرد از اینرو اگر برای تداوم مبارزه طبقه ستم جنسی طبقاتی و مذهبی حلقه مقدم تکیه بر زنان زحمتکش است اما برای حل قطعی و نهایی مسئله زن بدون گردآوری کلیه آحاد زنان امر مبارزه طبقه هر گونه ستم و تجاوز به حقوق آنها ناممکن است. بنابراین راه رهایی زنان از طریق سازماندهی "اراده مستقل زنان" میگردد. بدون سازماندهی مستقل زنان، بدون گردآوری و متشکل نمودن اراده رزنده زنان نمی توان ستم بر زن را محو نمود. ریشه اسارت زنان اساسا در جدایی از حوزه کار و تولید قرار دارد بنابراین بدون مبارزه برای استقلال اقتصادی زن نمی توان حرفی از رهایی زنان به میان آورد. مبارزه برای حق اشتغال و حقوق مساوی برای کارسای از پایه های اساسی رهایی زنان محسوب میگردد.

اما تکیه بر استقلال مادی زنان بدون مبارزه با خرافات و ستم سیاسی - فرهنگی امر رهایی زنان را با دشواری مواجه میسازد. بنابراین می یابست با تلفیق اصولی بین مبارزه اقتصادی و سیاسی - فرهنگی راه رهایی زنان را هموار نمود و در جهت آن گام برداشت. حضور فعال زنان در انقلاب بهمن و کلیه حرکات توده ای بیانگر این است که دستاویزهای فراوانی برای کار توده ای بهرمان "تشکل مستقل زنان" وجود دارد.

همچنین سازماندهی مبارزه سیاسی - فرهنگی - ر خارج از کشور که از امکانات - سادگی برخوردار است می تواند نقش موثری برای مبارزه در جهت رهایی زنان ایفا نماید.

پيام ۸ مارس برای زن ایران: تلاش برای ایجاد تشکل و اراده رزنده مستقل توده زنان - زنان آرام، اما استوار می آیند.

### زنده باد سازماندهی مستقل زنان پروین

#### ادامه مصاحبه از صفحه ۲۱

س: هیئت تحریریه از چه ملیتهایی تشکیل شده است؟  
- : ترک، کرد، آلمانی و فرانسوی. در بعضی شماره ها هم ایرانیها، عراقی ها و آفریقایی ها همکاری داشتند.  
س: من فکر می کنم همه سوالهایم را مطرح کرده ام؛ آیا پیلای برای ایرانیها و خوانندگان "پویش" دارید؟  
- : من به همه بخصوص به پناهندگان، صرف نظر از اینکه در چه کشوری بسر می برند، توصیه می کنم که سعی کنند در افکار عمومی بیشتر کار کنند. بخصوص در رابطه با اینکه در ایران چه می گذرد. چرا که رسانهای بورژوازیی علاقهای در این رابطه نشان نمی دهد و در عین حال خیلی از خبرها هم مخصوصا نمی آورند تا مردم خودشان نیز از آنچه واقعا در ایران می گذرد، بی خبر بمانند. در عین حال به همه توصیه می کنم که مبارزه کنیم تا مرزها، بخصوص در بازار مشترک از اینکه هست بسختتر نشود. چرا که در این صورت برای پناهنده ها فاجعه - آیسز خواهد شد. در این راه برای همه نیرو و پایداری آرزو می کنم.  
پویش: متشکرم!



## شکست انتخاباتی ساندنیست‌ها

طبق آخرین شمارش آراء خان جامورو ۵۵/۲ درصد و اورنگ ۴۰/۸ درصد آراء را به خود اختصاص داده اند. سایر احزاب نیز ۴ درصد آراء را بدست آورده اند.

در این همه پرسی علاوه بر انتخاب ریاست جمهوری، معاون رئیس جمهور، ۹۲ نماینده مجلس و ۱۴۴ عضو شورای شهر نیز انتخاب شدند. تا پایان روز چهارشنبه ۲۸ فوریه، بر اساس شمارش آراء، از ۹۲ کرسی پارلمانی، ساندنیستها ۳۸ و UNO ۵۴ کرسی را به خود اختصاص داده اند.

برای سبب اکثریت مطلق در مجلس نیکاراگوئه " UNO " باید ۵۵ کرسی ( یعنی ۶۰ درصد آراء ) را به خود اختصاص دهد. به این ترتیب " UNO " ( هنوز ) از اکثریت پارلمانی برخوردار نیست و برای این امره ۴/۸ درصد دیگر آراء نیازمند است. از اینرو ساندنیست‌ها ( هنوز ) امید دارند به عنوان یک اقلیت در مجلس مانع تغییر قانون اساسی کنونی نیکاراگوئه گردند. و این امری است که ( هنوز ) ساندنیستها می‌توانند در دست داشته باشند تا حکومت ائتلافی " UNO " که رسماً ۲۵ آوریل جایگزین خواهد شد را با مشکل روبرو سازند.

علاوه بر این، تقریباً " همه " افسران ارتش کنونی نیکاراگوئه از اعضای ساندنیستها هستند، و هنوز اسلحه‌ها در دست دهقانانی که برای مقابله با کنتراها مسلح شده بودند، قرار دارد. و این در حالی است که ابهام در مورد تقسیم قدرت بین احزاب و گروه‌های تشکیل دهنده " UNO " در دولت آینده هنوز رفع نگردیده است. اما با همه این وجود قدرت در روز ۲۵ آوریل به دست نیروهای " اتحادیه اپوزیسیون ملی " خواهد افتاد.

## وعدۀ های " UNO "

وعدۀ هایی که " UNO " در مبارزه انتخاباتی قول تحقق آنها را به مردم داده است به قرار زیر هستند.

- ۱- کنترل و متوقف نمودن تورم لجام گسیخته و سرسام آور در نیکاراگوئه.
- ۲- کمک به کارخانه‌ها و شرکت‌های خصوصی.
- ۳- اعطاء زمین به دهقانان.
- ۴- بالا بردن سطح زندگی مردم کم درآمد.
- ۵- بهبود بهداشت و تندرستی عمومی.
- ۶- کم کردن نفقات ارتش.
- ۷- پایان دادن به جنگ با کنتراها.
- ۸- لغو خدمت سربازی.

بنا به اظهارات رسانه‌های عمومی و مطبوعات " UNO " توانست با طرح شعار " لغو خدمت سربازی " طرفداری بسیاری از مردم را حتی در بین سربازان به خود جلب کند. ساندنیستها در مقابل این شعار " طرح کوتاه نمودن مدت زمان سربازی " را قرار داده بودند که چندان جذاب نبود.

خان ویسولتا جامورو شخصیت گمنامی در جامعه نیکاراگوئه نیست. وی همسر پدر خوانده جامورو مدیتر سابق روزنامه مشهور " لاپرسا " می‌باشد. او " پدر خوانده " جامورو " در سال ۱۹۷۸ به دست نیروهای سوموزا به قتل رسید. قتل وی به وسیله دیکتاتوری مویجی از اعتراضات را در کشور به دنبال داشت. او از عنوان " شهید ضد دیکتاتوری و حقوق شهروندی " در جامعه برخوردار شده است.

امکانی برای اجازه اقامت ۳۰۰۰ پناهنده

نشریه *Unsere Stimme* (" صدای ما ") مورخ ۲۶ ژانویه از مقرراتی تحت عنوان *Altfallregelung* (مقررات شامل موارد قبلی) در استان نیدرزاکسن خبر میدمد که شامل حال ۳۰۰۰ پناهنده‌ای میشود که از مدت‌ها پیش در نیدرزاکسن اقامت دارند و به موجب این مقررات تحت شرایطی، حق اقامت دائمی آنان تامین خواهد شد.

از جمله پیش‌ترضاها برای یک اجازه اقامت بدوامدود، موارد زیر می‌باشد.

پناهندگان دارای فرزند، بایستی تا تاریخ ۸۹/۱۰/۱ حداقل پنج سال در استان نیدرزاکسن زندگی کرده باشند.

پناهندگان بدون فرزند، بایستی تا تاریخ ۸۹/۱۰/۱ حداقل هشت سال در استان نیدرزاکسن زندگی کرده باشند.

یک اجازه اقامت محدود زمانی داده میشود که از اداره تامین اجتماعی (*Sozialamt*) امکانی در یافت نشود، مگر اینکه ثابت شود که با وجود تلاش شدید یک ساله در جستجوی کار، کاری پیدا نشده و بنابراین دریافت کمک هزینه لازم بود است.

پناهندگانی که در انتظار تصمیم دادگاه در مورد پناهندگی شان هستند، میبایستی تقاضای پناهندگی گیشان را پس بگیرند.

این مقررات شامل حال پناهندگان زیر نمی‌شود:

- کسانی که به پروسه کار پناهندگی گیشان خارج از استان نیدرزاکسن رسیدگی میشود.

- کسانی که در دو سال گذشته به جریمه‌های بیشتر از شش ماه حبس و یا به پرداخت بیش از ۱۸۰ روز کار، (مبلغ هر روز کار بستگی به حقوق ماهانه دارد) محکوم شده‌اند.

امکانی . . .

کسانی که استردادشان در دستور کار قرار دارد .  
 - کسانی که در دو سال گذشته به مهین شان سفر کرده اند .  
 - کسانی که مکراراً مقررات نظم عمومی را زیر پا میگذارند و یا این که نشان دادند که توانایی یا خواست جذب شدن در جامعه را ندارند .  
 - این مقررات شامل بعضی از پناهندگان کشورهای بلوک شرق نمی-شود .

برای کسب اطلاعات بیشتر از این قانون میتوان با آدرس "پویش" و یا با آدرس حزب سبزها در مجلس - Landtag تماس گرفت :

Hinrich-Wilhelm-kopf-Pl. 1

3000 Hannover 1

توضیح بیشتر در مورد این

مقررات:

اداره خارجیهای مربوطه از متقاضیان پناهندگی تا تاریخ ۹۰/۲/۲۸ توسط نامه ، در خواست می کند که در مدت یک ماه تصمیم بگیرند و متعاقباً تقاضای پناهندگیشان را پس بگیرند .

هنگامی که پناهندگانی در *Dokumentation*

۵۵

## شکست انتخاباتی ساندنیست ها

از اینرو خانم جامورو خود را میراث دار همسرش میدانند . او حتی تا چند ماه بعد از انقلاب ۱۹۷۹ در کنار ساندنیست ها قرار داشت و در دستگاه حکومتی آن زمان صاحب مقامی بود ، اما پس از مدتی از صف آنها کنار کشید .

## " کنتراها "

بعد از انتخابات ، ساندنیستها رسماً " پذیرفتند که در حکومت آینده به عنوان نیروی اپوزیسیون باقی خواهند ماند .

در این شرایط ، مذاکره بین ساندنیستها و نیروهای " UNO " درباره " چگونگی برخورد به کنتراها جریان دارد . ساندنیستها اخطار کرده اند که اگر نیروهای کنتراها بخواهند با اسلحه هایشان وارد نیکاراگوئه شوند و یا در ارتش به وسیله دولت کنونی جذب شوند ، با مقاومت مسلحانه نیروهای ساندنیست و ارتش مواجه خواهند شد .

جامورو مول داده است که کنتراها باید خلع سلاح شوند و در عین حال حکومت " UNO " آنها را تعقیب و یا مجازات نخواهد کرد . سر دسته کنتراها بنام اسرائیل گالانو ( Isreal Galeano ) اعلام کرده است که نیروهای وی تا تغییر قطعی حکومت و روی کار آمدن حکومت جدید اسلحه های خود را زمین نخواهند گذاشت .

نشر: امپریالیسم آمریکا

" UNO " از طرف آمریکا در مبارزه انتخاباتی حمایت کامل می شد . این موضوعی است که حتی خود " UNO " نیز آنرا پنهان نمی کند .

امپریالیسم آمریکا تا کنون از هیچ اقدام جنایت کارانه ای برای سرکوب دستاوردهای انقلاب ژوئیه ۱۹۷۹ نیکاراگوئه کوتاهی نکرده است . بسیج و سازماندهی هزاران مزدور ضد انقلابی در مرزهای نیکاراگوئه کشتار مردم و بخصوص روستائیان مرز نشین به وسیله کنتراها ، محاصره اقتصادی ، تبلیغات ، شانتاژ گسترده ، مانورهای نظامی مشترک با رژیم های مرتجع منطقه در مرزهای نیکاراگوئه و دست آخر نیز کمک های مالی و تبلیغاتی وسیع به " UNO " بخشی از این اقدامات هستند .

نابودی دستاوردهای انقلاب ۱۹۷۹ نیکاراگوئه برای آمریکا از این نقطه نظر حائز کمال اهمیت است تا جنبش های مردمی در کشورهای منطقه ( السالوادور ، پرو و غیره ) را به عقب نشینی وادارد . بنابراین عقب راندن انقلاب نیکاراگوئه به یک چهار جوب رسمی بورژوازی و سپردن قدرت به نمایندگان رسمی طرفدار دولت آمریکا



امکانی . . .

(ینی از انواع پناهندگی) دارند، برای تمدید Duldung خودبه اداره خارجیها مراجعه میکنند، این اداره موظف است به پناهندگان داد-رای Duldung این مقررات جدید را توضیح دهد . اگر کسی پاسکسور خود هر را نداشته باشد و یا نتواند دریافت کند، به او تحت شرایط معینی پاسرگریه (یسا Fremdenpaß) داده میشود .

ارزیابی مختصری از مقررات جدید بدون شك فعالیت نهادها و تشكلكل-های مدافع حقوق پناهندگان از مهم ترین عوامل تصویب Altfallregel بوده است. يك دليل دیگر وضع این مقررات این است که بار تصمیم گیری در مورد موارد قبلی از دوش دادگاههای پناهندگی برداشته شده و امر رسیدگی بسه پرونده های جدید تسریع شود. بعلاوه اداره های تأمین اجتماعی نیز از پرداخت کمک هزینه معاف شده و پناهندگان مجبور بکار کردن میشوند. این مقررات برای بعضی پناهندگان يك سری مزایا در بر دارد اما تعداد پناهندگانی که مشمول این مقررات میشوند، محدود است . وزارت امور داخله فرض را بر این گذاشته که این مقررات شامل حال تقریباً ۳۰۰۰ پنا-هنده میشود . اما این تعداد طبعاً بخش عظیمی از پناهندگانی را که شرایط زندگی دشواری دارند، دربر نیگیرد . برآورده ساختن پیش فرضها برای کسب اجازه اقامت برای بسیاری از پناهندگان خیلی مشکل می باشد . داشتن کار، اشتغال در پیت دوره کارآموزی یا تحصیلی یا تلاش شدید برای جستجوی کار از جمله شرایطی هستند که باید دارا بودن آنها ثابت نمود .

از طرفی مفاد پاراگرافهای مبهم این مقررات به کارمندان اداره خار-جیها امکان میدهد که با وجود داشتن چنین پیش شرطهایی ، از دادن اجازه اقامت امتناع کنند . در این مورد پروژه جمله زیر گویا می باشد

## شکست انتخاباتی ساندنیست ها

از نقطه نظر منافع امپریالیسم آمریکا يك ضرورت در مبارزه علیه توسعه رادیکالیسم در قاره محسوب می شود .

بر همین مبنی است که مشاور جامورو ( این فرد از اعضای سابق کنترهاست) در خواست کمک مالی از آمریکا نموده است . وی اعلام نموده است که دولت " UNO " در اولین سال ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار و در آینده هر ساله ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار احتیاج به کمکهای مالی دارد . اگر ارقام در خواستی مشاور جامورو را بسا مثلا " کل صادرات نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۹ مقایسه کنیم ( صادرات نیکاراگوئه در این سال حدود ۲۹۸ میلیون دلار بوده است ) بی خواهیم برد که این در خواست بمراتب پیش از تمامی مبلغی است که دولت ساندنیستها در طی يك سال از طریق صادرات به خزانه خود وارد کرده است . و این به معنای درجه اهمیتی است که ثبات مالی و تحکیم دولت جدید برای آمریکا داراست . دولت آلمان نیز بعد از مشخص شدن نتیجه انتخابات آلمانی خود را جهت کمک اقتصادی به دولت جدید نیکاراگوئه اعلام نموده است . در این میان دولت شوروی هم ضمن عادلانه خوانسدن نتیجه انتخابات، در خواست مذاکره، با دولت " UNO " و تحکیم مناسبات خود بسا آن را نموده است .

صف بندی جدید و تاثیر آن در نیکاراگوئه

در داخل نیکاراگوئه، تمامی بخشهای بورژوازی حتی آنهايي که زمانی در " پرتو " تئوریهای اقتصادی " منتخب وابستگی " رویای نیکاراگوئه در حال " رشد و توسعه " را می دیدند و از این رو در کنار ساندنیستها قرار گرفته بودند، برای شکست ساندنیستها در انتخابات ائتلاف نمودند . از لحاظ بین المللی نیز پیروزی نظریه کلاسیک بازار و رقابت بورژوازی، جرخش بدستریکا در توروی و مطابق با آن در کشورهای اروپای شرقی به نفع این نظریه، و تحولات اقتصادی مشابه در چین، بی ابالی ساندنیستها در میان گروه کشورهای کونتا دورا ( مکزیک، کلمبیا، پاناما و ونزوئلا ) همراه با رویگردان شدن سوسیال دمکراسی بین المللی از آنها - ساندنیستها در روند انقلاب ۱۹۷۹ و پس از آن توانسته بودند همکاری سوسیال دمکراسی اروپا را به خود جلب کنند - و البته فشارهای فزاینده امپریالیسم آمریکا، و اهمیت صف بندی سیاسی جدیدی در - انتشار بورژوازی در نیکاراگوئه باعث گشته است .

صف بندی جدیدی که با پذیرش هژمونی آن جهان بینی بورژوازی توأم است که سه فراتر از مرزهای ملی و سرمایه بومی، تحکیم موقعیت طبقه سرمایه دار در کشور خویش و تحقق آرمانهای ملی خویش در منصفه یا جهان را نیز در درجه استحقاق پیوندهایش با سرمایه جهانی و مکان خود در نظام جهانی اقتصادی - سیاسی امپریالیستی جستجو می کند . به این ترتیب در نیکاراگوئه یکدستی سیاسی جریانات بورژوازی به مراتب تشدید شده است . در زمینه سیاست های اقتصادی نیز، سیاست دره های باز و دعوت از سرمایه امپریالیستی و کسب کمکهای اقتصادی از آنان پلاتفرم مشترک این احزاب گشته است .

## کلیسا

کلیسای کاتولیک از پرفردت ترین نهادها در نیکاراگوئه بوده است . کلیسا بسا من ها سنت خود در این کشور، در سال ۱۹۷۹ از حمایت تقریباً ۹۰ درصد عالی برخوردار بوده است . " اتحادیه اپوزیسیون ملی " در این انتخابات از - کلیسا بهره جست و کلیسا نیز به مثابه پشتیبان ایدئولوژیک آن به میدان آمد .

امکانی ...

که این مقررات برای "خارجیهایی که مکرراً مقررات عمومی را زیر پا میگذارند و یا نشان دادند که توانایی یا خوب است جذب شدن در جامعه را ندارند معتبر نیست." با استفاده از چنین جمله ای بسادگی میتوان پناهندگانی را که از کار اجباری سرباز زد مانند رفتارشان مطابق میل مسئولین مربوطه نبوده، از مقررات جدا کرد.

بد محروم ساختن آنها

این واقعیت که تا تاریخ ۶/۳۰/۹۰ می توان در جهت استفاده از مقررات جدید اقدام کرد و یا این امر که ملاحظا پناهندگانی که تا تاریخ ۱/۱۰/۸۹/۷۰ سال و یازده ماه در تبعید رزاکسن زندگی می کنند، مشمول این مقررات نمی شود، نشان میدهد که دولت کوچکترین زحمتی به خود نرسانده تا یک شرایط زندگی انسانی را برای بخش بزرگی از پناهندگان بسازد.

بیاورد.

مطابق این مقررات، اداره خارجیهها اختیارات تام دارد تصمیم بگیرد که در مواردی که اجازه اقامت تمام شده، با فشار و سختگیری بیرون تری عمل شود. (به نقل از مصوب نامه)

استون (Stock) وزیر داخله

در ریت مهاجرت مطبوعاتی در نوامبر ۱۹۸۹ توضیح داده بود که بخاطر جلوگیری از سوءاستفاده از پناهندگی سیاسی از جمله باید به اجازه اقامت پناهندگان مرود شده، خاتمه داد. در این رابطه بیم آن میرود که در آینده استون نیز شبیه سناتور کومنگ (Kewin)

در برلین در سالهای ۸۸-۱۹۸۷ عمل کنند. در برلین نیز Altfallr. در اکتبر ۱۹۸۷ عملی

شده بود. وحتى مطبوعات انتقادی آن را به عنوان "جلوه ای از انسان دوستی" ستایش نموده و برای دیگر

## شکست انتخاباتی ساندنیست ها

در بساطش چیز زیادی دیده نمی شود! و این نشانگر وضعیت لاجحه آمیز اقتصادی نیکاراگوئه است. با اینحال چنین وضعیتی تنها دلیل شکست FSLN نبود.



### نگاهی به ساندنیستها

اما خارج از این پارامترها و صف بندیها، چگونه می توان شکست انتخاباتی ساندنیستها از گروهی را توضیح داد که با پول امپریالیسم آمریکا و اسلحه کنتراها (یعنی نیروهایی که مردم نیکاراگوئه آنها را دشمنان خود قلمداد می کردند و سالها بر علیه تعرضات و تجاوزات آنها ایستادگی کرده بودند) به جلو صحنه رانده می شدند. اجازه بدهید، نگاه کوتاه، فشرده و موجزی داشته باشیم به ساندنیستها، انقلاب ۱۹۷۹ و برخی عملکردهای ساندنیستها پس از انقلاب.

"جبهه آزادی بخش ملی ساندنیست" (FSLN) در سال ۱۹۶۲ بعنوان یک سازمان چریکی، با چشم داشت به راهی که در کوبا طی شد، بنیاد گذاشته شد. در ماه ژوئیه ۱۹۶۲، "کارلوس فون سه کا آمادور" به همراه "سیلو یوما یورگاسا" و "توماس بورخه" "جبهه آزادی بخش ساندنیست" را پایه گذاشتند. هدف آن بود که همان راه و نمونه کوبا، دستاورد جنبش ۲۶ ژوئیه به رهبری فیدل کاسترو را در پیش بگیرند.

بین سالهای ۶۲ تا ۶۷ جنبش ساندنیست از لحاظ تئوری و استراتژی بسیار تحت تاثیر تجربه کوبا عمل می کرد. شکست می چریکی برای این سازمان باعث شد که جبهه ساندنیست بعداً "نمونه انقلاب ویتنام را سرمشق قرار دهد.

در سال ۱۹۷۰، ناامی های "FSLN" در پهنه نبرد، سبب شد که برای مدت چهار سال علیه فعالیت های نظامی را کنار بگذارد.

در سال ۱۹۷۵ یک فرانسوی بنام "گرایش پرولتری" با درستی مسلحانه و تاکید بر داریاسی از جبهه ساندنیست اخراج شد. سال بعد یک جناح پندی دیگری که به "جنگ توده از صولانی" معتقد بود به رهبری توماس بورخه از آن جدا شد.

## شکست انتخاباتی ساندنیست‌ها

امکانی ...

ایالاتومیه کردند . کل برنامه کو-پنت در مورد پناهندگان ، چند ماه بعد به این جا منجر شد که به موجب آن هر گونه مانعی در بازگردد گرداند پناهندگان لبنانی به کشورشان و نیز همچنین کسانی که Altfallregelung شامل حالتان نمی شد ، بر طرف گردید .

چند توصیه به کسانی که این مقررات شامل حالشان میشود :

به چنین کسانی پیشنهاد می کنیم قبل از استعاده از این مقررات با وکیل مشورت کنند . برای پناهندگانی که تقاضای پناهندگی شان رد شده یا کسانی که پناهندگیشان به خاطر دلایل "انسادوستانه" می باشد و به خاطر شرایط خاص کشورشان بازگردانیده نمی شوند ، این مقررات می تواند این امتیاز را داشته باشد که از موقعیت بی ثبات Duldung بیرون آمده و در صورت داشتن پیش شرطها ، اجازه اقامت دریافت کنند .

مقاضیان پناهندگی ای که هنوز پروسه پناهندگی شان خاتمه نیافته ، بهتر است حتما در این مورد تحقیق کنند که آیا این مقررات برای انسان امتیازاتی در بر دارد یا خیر .

پناهندگانی که تقاضای پناهندگی گیشان پذیرفته شده ، به عنوان کسانی که دارای پاسپورت پناهندگی هستند نسبت به کسانی که این مقررات شامل حالشان میشود ، موقعیت بسیار بهتری دارند .

توجه : آخرین مهلت به منظور تقاضا برای Altfallregelung تاریخ ۲۰/۶/۹۰ می باشد .

★★★★

★★★★

در مقابل يك گرایش موسوم به " جناح سوم " به رهبری " دانیل اورتگا " ، هومبرتو اورتگا و یترادو که مدافع جنگ چریکی شهری بودند ( مشابه چریکهای شهری " توپامارو " در اروگوئه ) بوجود آمد .

آلترناتیو جناح سومی ها " جمع‌آوری فعال نیرو " بود . آنها در پی این امر بدنبال استراتژی‌ای بودند که بر حسب آن يك نیروی انقلابی کوچک ، در ائتلاف وسیع طبقات دیگر حتی بورژوازی - دیکتاتوری حاکم ( سوموزا ) را درهم بشکنند .

جناح سومی‌ها تأکید شدیدی بر این موضوع بنامه داشتند که : " تنها کارگران بر طبقه سرمایه داران " این راه را میسر ما نیست .

فشار و فلاشی که دیکتاتوری سوموزا بر هستی مردم محروم نیکاراگوئه و بویژه کارگران صنعتی و کشاورزی ، روستائیان کنده شده از زمین و رانده شده به حاشیه سهرها ، تحمیل کرده بود . و تورم و فساد بورکراتیک - نظامی که مردم را زیر بار خود لگنه موده بود . در سال ۱۹۷۸ به نفع انبجار خود نزدیک شد . در این احوال ، اعتصابات عمومی پیوسته ، تظاهرات وسیع توده ای و جا بجا درگیری مسلحانه با رژیم و ارتش بتدریج وضعیت انقلابی را موام بخشید .

در جریان پدید آمدن وضعیت انقلابی و درصی فیام ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹ که به سرنگونی دیکتاتوری سوموزا و ختم و سلطه چهل ساله " خاندان وی در نیکاراگوئه انجامید ، " جنبه آزادی بخش ملی ساندنیستها " با ائتلاف وسیعی از سازمانهای سیاسی نیکاراگوئه ، از جمله احزاب و شخصیت های بورژوازی ( ضد سوموزا ) قدرت را به دست گرفت . این ائتلاف وسیع در ثلثیت خود منهای خاندان دیکتاتوری سوموزا و نیروی سرلوب نظامی سوموزا ، شامل همه نیروهای دیگر می شد .

۳ شرط اصلی که رهبری ساندنیستها رسماً " برای اداره " کشور عنوان نمود ، پلورالیسم ( ثرت گرای ) ، حفظ اقتصاد سرمایه داری زیر عنوان " اقتصاد مختلط " و تعلق به جنبش " غیر متعهد ها " بودند .

آنها با این وعده که در جهت نفی سرمایه های خارجی " تحت يك سیستم ملی " توسعه اقتصادی و رفاه عمومی و بهبود در سطح معیشت طبقه کارگر و زحمتکشان را - به ارمغان خواهند آورد ، به کار خود آغاز نمودند .

اما سطح زندگی برای طبقه کارگر و سایر زحمتکشان نه تنها افزایش نیافت ، بلکه مداوماً ، دستمزد واقعی آنان به پائین رانده شد .

کارگران و زحمتکشان که با انقلاب خود ، ساندنیستها را به قدرت رسانده بودند ، - طبیعتاً " انتظار داشتند ، مطالبات آنها نیز نه تنها توسط ساندنیستها بر آورده - شود ، بلکه خود ساندنیستها پیشاپیش در جهت تحقق آنها پیش قدم باشند ، اما چنین نشد!

مثلاً " پس از پیروزی فیام کارگران با تشویق اتحادیه های کارگری غیر ساندنیست می خواستند دستمزد ها را بالا برده ، ساعات کار را کم کرده و از سختی های کار بکاهند . کارگران مزارع نیز می خواستند به تصرف زمین ها ادامه دهند . اما ساندنیستها بر طبقه این اقدامات بسیج شدند . آنها در این عمل نه پیشاپیش کسه در مقابل کارگران قرار گرفتند . و زمانی نیز که از مقابل جنبش کارگری وادار به عقب نشینی شدند ، کوشیدند تا از سطح و حق آن بکاهند . دولت در این میان بهر حال موفق شد تا از ارتقا " دستمزد ها جلوگیری کند و تنها قول بهبود خدمات بهداشتی ، آموزش ، مسکن و حمل و نقل را به آنها داد .



## اخبار

## شکست انتخاباتی ساندنیست‌ها

ساندنیست‌ها شدیداً بر روی انضباط تولید و صرفه جویی در مصرف تاکید داشتند چنانکه از تاریخ ۱۹۸۱ تا اوت ۱۹۸۴ اعتصاب رسماً " غیر قانونی اعلام شده بود .

و یا در سال ۱۹۸۲، روستائیانی که در " اتحادیه ملی دهقانان کوچک " متشکل شده بودند درخواست نمودند ، وام های قبلی به آنها بخشوده شود ، زیرا قادر به باز پرداخت آنها به دولت نیستند . و آن قروض کمر آنها را شکسته است . این خواسته با مقاومت ساندنیست‌ها روبرو شد . اما مخالفت کشاورزان بالا گرفت و دولت ناچاراً تن به عقب نشینی داد . در اینجا نیز می بینیم که ساندنیست‌ها نمی خواستند حتی از قروض آنها صرف نظر کنند و تنها در مقابل بسیج توده ای و گسترش آن وادار به عقب نشینی شدند .

علاوه بر این از یکسال پیش دولت سو بسیدهای دولتی برای کالاها و نیازهای اساسی مردم را کاملاً " حذف کرده است و قانون بازار را در این حیطه نیز بر اقتصاد حاکم ساخته است . در نتیجه حذف سوسیدها و آزاد کردن قیمت‌ها ، دستمزد واقعی کارگران و محرومان هم چنان سقوط کرده است . در سال ۱۹۸۹ نرخ تورم به عدد چشم گیر و هولناک ۱۶۸۹ درصد رسیده بود .

یک اقتصاد دان بنام اسکار رنه وارگس ( Oscar Rene Vargas ) که مورد تائید ساندنیست‌ها نیز می باشد ، قبل از انتخابات اخیر اظهار داشت : اقتصاد در نیکاراگوئه تاثير بسيار ناچیزی از نتیجه انتخابات آینده خواهد گرفت . چرا که در هر حال اقتصاد خصوصی و رشد آن چه با ساندنیست‌ها و چه بدون آنها باقی خواهد ماند . تنها تفاوت در این خواهد بود که " UNO " قصد دارد ، - کارخانه ها و زمین های دولتی شده را به صاحبان سابق آنها بازگرداند ، ولی ساندنیست‌ها می خواهند ، سرمایه های دولتی شده را به بخش خصوصی بفروشند .



امتناع از دادن رای به ساندنیست‌ها را نمی توان صرفاً در رفتارهای فزاینده امپریالیسم آمریکا ، یک صف شدن بورژوازی مورد حمایت آمریکا در این کشور، بی اقبالی ساندنیست‌ها نزد گروه کشورهای کونتادورا و رویگردانی سوسیال دموکراسی بین المللی از آنها ، چرخش در شوری و ۰۰۰۰ جستجو و خلاصه کرد . این امتناع در اساس مجازات آنها از طرف اکثریت مردم بود . چرا که آنها نتوانستند وعده ها و قولهایی را که به مردم داده بودند و امیدهایی را که کارگران و زحمتکشان قریب به ۱۴ سال به آنها دل بسته بودند ، برآورده سازند . دولتی که نتواند به مطالبات و خواسته - های محرومین پاسخ دهد و مردم تحت حکومت آن ، قادر نگردد شرایط زیست و کارشان را بهبود بخشند ، تاجایی که تهیه مایحتاج اولیه برای آنان به گرفتاری و مشغله شبانه روزی بدل گردد ، چگونه می تواند توقع داشته باشد ، محرومین از آن رو - یگردان نگردد و حمایت خود را از دست ندهد!

جلیل محمودی

۱۹۹۰/۳/۵



فاجعه نزدیک می شود !

طبق خبر روزنامه TAZ مورخ ۲۰ آفریه از طرف دولت آلمان کمیسونی مامور رسیدگی به وضعیت پناهندگانی شده که تقاضای آنها رد شده است . این کمیسون بایستی با بررسی هزینه ها و با مذاکره با روسای کشورهایایی که این پناهندگان از آن ها آمده اند طرحی ارائه دهد که پناهندگان به کشورهای خود بازگردانده شوند . و در صورتی که امکان پس فرستادن این پناهندگان به کشورشان وجود نداشت ، آنها به کشورهای همسایه خود کوچ داده شوند . زیرا هزینه نگهداری پناهندگان به کشورهای همسایه کمتر میباشد .

این کمیسون قرار است گزارش خود را تا تابستان امسال ارائه دهد . بدون شک تشکیل این کمیسون و گزارشی که در عرض چند ماه آینده خواهد داد ، یکی از حلقه های زنجیر توطئه ای است که از مدت ها پیش برای تضییق حقوق پناهندگان در جریان است .

اجرای طرح استرداد و انبوه اجباری پناهنده گانی که تقاضایشان رد شده ، بدون اغراق فاجعه ای برای بخش عظیمی از پناهندگان است . (۱)

اجرای این طرح فی المثل برای پناهندگان ایرانی مردود شده یا به مفهوم استرداد به رژیم آد مخوار جمهوری اسلامی یا به معنای زندگی مشقت بار در کمپها و چادرهای پاکستان و تریه توام با خطر دائمی بازگرداندن به ایران خواهد بود . برای جلوگیری از اجرای این طرح و طرحهای مشابه بایستی به مبارزه ای متشکل دست زد و همکاریهای منظم و با برنامه ای را با تشکلهای سازمانهای نهایی که از حقوق پناهندگان حمایت میکنند ، پی ریزد و حتی الامکان بخشهایی از جامعه را که ظرفیت پشتیبانی فعال از حقوق پناهندگان را دارند ، بر علیه این گونه طرحها بسیج نمود .

مصاحبه ...

واحدی مبارزه می‌کنند و یا لایق وجوه مشترکی در فعالیت‌های آنها وجود دارد، اما از آنجا که با هم ارتباط ندارند و همدیگر را نمی‌شناسند فعالیت‌هایشان پراکنده، غیر متحد و بنا بر این کم اثر باقی می‌ماند. این پراکندگی و تسکت به نوبه خود باعث بروز نقایص دیگری نظیر خرده کاری، دوباره کاری و عدم انتقال تجربیات می‌شود و در مجموع موجب اتلاف انرژی بسیاری می‌گردد.

به اعتقاد ما اولین گام در جهت انجام حرکت‌های مترکز و مؤثرتر با تشکل‌ها و جریان‌های پیشروی دیگر، شناخت آنها می‌باشد.

در این راستا، نشریه پویش در نظر دارد، سلسله مصاحبه‌هایی را با سازمانها، تشکل‌ها، نهادها و نیروهای مترقی، پیشرو و کارگری - که در سطح هانوفر و یا سایر نقاط آلمان فعالیت می‌کنند - ترتیب دهد تا از این رهگذر خوانندگان پویش بیشتر با نظرات، اهداف و فعالیت‌های آنها آشنا گردند.

در لیست مصاحبه‌هایی که ما بنای انجام آنها را داریم، مصاحبه با اتحادیه کارگری گروه‌های ضد فاشیست آلمانی، تشکل‌های نظیر Flüchtlingsrat (تورای پناهندگان) که در زمینه مسائل پناهندگان فعال هستند و همچنین، گروه‌های حب آلمانی قرار دارند. مصاحبه حاضر با ما خانم *Unsere Stimme* (صدای ما) نیز در چارچوب این سری مصاحبه‌ها قرار دارد.

متن مصاحبه برای انتشار در پویش تصحیح و خلاصه شده است عبارات درون ( ) برای سهولت درک مطلب اضافه گردیده است.

سؤال: ممکن است خود را معرفی کنید؟

جواب: من *S. Kasselbink*، عضو هیئت تحریریه نشریه *Unsere Stimme* هستیم.

سؤال: برای اینکه خوانندگان پویش بهتر بتوانند شما را بشناسند، لطفاً در مورد گروهتان توضیح بدهید کی شروع به کار کردید و تا بحال چه کارهایی انجام داده‌اید؟

جواب: ما در تابستان - یا دقیقتر بگویم از ماههای مه و یونی (۱۹۸۹) - شروع به دیدار و صحبت با افراد مختلف کردیم که چه کسی علاقه به همکاری با نشریه را دارد. اولین شماره نشریه را حدوداً در تاریخ ۲۲ یولی منتشر کردیم. در گذشته ما یک هیئت تحریریه ۱۴ تا ۱۵ نفره بودیم و برای اولین شماره نشریه تقریباً تمام مقالات را خودمان می‌نوشتیم. این وضع پس از مدتی دچار تغییر و تحولاتی شد. ما افرادی را پیدا کردیم که مقالات مشخصی را می‌نوشتند و دیگر لازم نبود که مقالات را به تنهایی بنویسیم، بلکه فقط روی مقالات بحث می‌نمودیم و کارهای فنی را انجام می‌دادیم.

س: آیا شما تنها با افراد صحبت کردید یا به گروه‌های ترک و آلمانی نیز رجوع کردید؟

ج: ابتدا کار را با جمعی از آشنایانی آغاز کردیم که می‌دانستیم به این موضوع علاقه‌مند هستند و تعداد زیادی از آنها میل به همکاری در انجام امور مربوط به سیاست نسبت به خارجی‌ها، سیاست مربوط به پناهندگان و سیاست‌های ضد فاشیستی دارند. زیرا در حال حاضر این موضوعات از جدیت و اولویت خاصی برخوردار هستند و باید در این رابطه کارهای صورت بگیرد و همچنین در حال حاضر گروه‌های خیلی کمی هستند که در رابطه با این سیاست‌ها کاری انجام می‌دهند. و ما فکر کردیم که مؤثرترین روش برای انجام دادن کاری (در این زمینه‌ها) انتشار یک نشریه خواهد بود.

س: تا بحال در مورد اهدافتان اشاراتی کردی، می‌توانی در مورد هدف و ضرورت یک چنین نشریه‌ای بیشتر توضیح بدهی؟

ج: هدف اصلی که ما چرا یک نشریه بوجود آوردیم و نه یک کمیته که روی آکسیونها فکر کند و آنها را تدارک ببیند، اینست که ما قصد داریم، طیرغ جو حاکم (نظرات خود) را تبلیغ کنیم. و در واقع علت اصلی اینست که به اندازه کافی نشریاتی وجود دارند که گزارش‌های سیاسی می‌دهند، اما آنها اثر را به زبان آلمانی منتشر می‌سوند و مسائل ناملا معنی را گزارش می‌دهند و درباره موضوعاتی که در حال حاضر برای ما اهمیت زیادی دارند گزارش نمی‌دهند. (توضیح این موضوعات) یکی از اهداف اصلی ماست. محوری‌ترین موضوعات برای ما تمام آن چیزهایی هستند که به سیاست پناهندگی، ضد نژاد پرستی و ضد فاشیستی مربوط می‌شوند.

س: در حال حاضر *Unsere Stimme* چند راست؟

ج: از هر شماره ۱۰۰۰ نسخه منتشر می‌شود. در شروع کار ۱۵۰۰ تا چاپ می‌کردیم ولی (این تعداد) یک مقدار زیاد بود.

س: آیا در حال حاضر *Unsere Stimme* فقط در هانوفر به فروش می‌رسد؟

ج: ما نشریاتی را به هیلدسهایم، گوتینگن، برمن و فرنکفورت، توسط گروه‌های پخش کننده یا کمیسیونها می‌فرستیم. ما همچنین نامه‌هایی را از مردم مونیخ که به طور تصادفی این روزنامه را دیده‌اند، دریافت می‌کنیم. ولی منطقه فروش اصلی ما با محل‌های فروش ثابت در حوالی حاضر در هانوفر و هیلدسهایم می‌باشد.

س: کدام روابط چه نوع همکاری مشترکی با نیروها و گروه‌ها و تشکل‌های دیگر دارید و پایه همکاری مشترکتان با گروه‌ها چیست؟

ج: نام *Unsere Stimme* (صدای ما) را بدین جهت انتخاب کردیم که این نشریه را به صدای خودمان تبدیل کنیم. منظور از خودمان نه هیئت تحریریه، بلکه انسانهایی می‌باشند که بدون آن (نشریه) حرف‌شان به گوش مردم نمی‌رسد. افراد منفرد از هر تیبی و همچنین گروه‌ها و تشکل‌هایی که فعالیت سیاسی می‌کنند، می‌توانند جزو هیئت تحریریه باشند.

ما اساساً می‌خواهیم به تمام کسانی که در چارچوب سیاست‌های برنامه‌های ما حرفی برای گفتن دارند، این امکان را بدهیم که نصرت خودشان را با استفاده از نشریه ما به اطلاع عموم برسانند. ارتباطات ما به این صورت است که با گروه‌هایی تماس داریم نه در آنها کار می‌کنیم و یا فلا کار می‌کرده‌ایم. ولی مردم هم به سراغ ما می‌آیند و از ما می‌خواهند که مطالبشان را منتشر کنیم و غیره. خودمان نیز در آکسیون‌های مختلف شرکت کرده‌ایم و یا تلاش کرده‌ایم آکسیون‌های مستقلی را به وجود آوریم. مانند تظاهرات بر علیه قانون خارجیها در ۲۷ فوریه. بدینوسیله طبیعتاً ارتباطاتی با دیگر گروه‌ها بوجود می‌آید که آنها نیز به نوبه خود در موارد مختلف به ما مراجعه می‌کنند. در طی این برخوردها ما می‌بینیم که چه اشکالی از همکاری از درون این روند بدست خواهد آمد.

س: بعضی از ما مایلند بدانند که آیا شما اصلاً پیشر شرطها و یا نلات معینی برای همکاری با گروه‌های دیگر قائل هستید؟

ج: کلاً گفته‌ایم که هر کسی تا زمانی که چارچوب سیاسی ما را قبول کند، می‌تواند با ما همکاری نماید و هر کسی می‌تواند عضو هیئت تحریریه باشد و متن‌هایی برای ما بنویسد. یعنی (تا زمانی که) علیه نژاد پرستی و علیه فاشیسم به عنوان یک خط عام (باشد). بی‌شک (سائل) در رابطه با متن صحبت می‌شود. تا بحال برای ما شرایطی پیش نیامده است که گروهی تعاضای همکاری یا کمک از ما را داشته باشد و ما به این یا آن دلیل خواست‌هایش را رد کرده باشیم.

## مصاحبه ...

س: پس به این ترتیب می‌تواند گروههای ایرانی نیز پیش‌رو آمده و متن آلمانی را (در نسرمان) چاپ کنند؟

ج: بله

س: چه پیشنهادها و راه‌های دارید که گروهها از ملیتهای مختلف بتوانند بهتر با هم کار کنند؟ گروهها در حال حاضر چنان از هم دور افتاده‌اند که هیچ کار مشترکی بر طبقه سیاست‌های کنونی نمی‌توان کرد. آیا راه حلی دارید که این گروهها هدفمندتر با هم کار کنند؟

ج: از طرف هیئت تحریریه نمی‌توان چیزی در این مورد بگویم چون تا بحال در این مورد صحبت نکرده‌ایم. مشخصاً می‌توانم بگویم که من هم دلم می‌خواهد همکاری بیشتری بین گروهها موجود باشد. بخصوص با وجود مسئله قانون خارجیها و مسائل زیاد دیگری که مورد انتقاد ما هستند. من از این مسئله استقبال می‌کنم. طرز تظاهرات ما که ما در آن متاسفانه تعداد کمی گروههای خارجی همکاری کرده بودند می‌تواند آغازی باشد (برای همکاری). اینک تلاقی هم از طرف گروههای ایرانی که همکاری کرده بودند و هم از طرف گروههای ترک و کرد، بوجود آمده است. ما همچنین تا انتخابات مجلس استان در ماه مه آکسیون‌های دیگری در رابطه با حق رای و شرکت در انتخابات (خارجیها) تحت شعار "یک فرد، یک رای" ترتیب خواهیم داد. ما امیدواریم که گروههای زیادی در این رابطه با ما همکاری کنند. (در این رابطه) به یک نوع اتحاد عمل برسیم که شاید اصلاً بطور مستقیم با نسرمان رابطه‌ای نداشته‌اند بلکه اتحاد عملی باشد که در آن اطلاعات رد و بدل شوند، در آن همکاریهای برنامه‌ریزی شوند که از آنها میتوان در نسرمان نیز استفاده کرد. اما این قصد نظر شخصی من است.

س: فکر می‌کنی که از نسرمانانات می‌توان نسرمان (Unsere Stimme) به زبانهای دیگر امکان پذیر می‌باشد؟

ج: اگر ما بخواهیم از طریق لغویاتر حجم نسرمان آنرا به زبانهای مختلف چاپ کنیم، صعب‌تر به همکاری افراد بیشتری نیاز داریم. اساساً نسرمان ما هرگز به عنوان نسرمانی طرح‌ریزی نشده‌است که منحصراً برای آلمانیها ترکها و یا کردها باشد. بلکه همیشه این امید وجود داشته که تعداد وسیعتری از خارجیها آنقدر آلمانی بدانند که روزنامه را به زبان آلمانی بخوانند. به همین منظور ما سعی میکنیم، متنها را حتی المقدور ساده بنویسیم. و زبان (نسرمان) آنچنان مشکل نباشد که فقط روشنفکران و تحصیلکرده‌ها بتوانند بفهمند. از زاویه دیگر برای ما نه فقط انعکاس نظرات گروههای سیاسی بلکه انتشار آراء، عقاید و افکار توده مردم از ارجحیت برخوردار است. بعنوان مثال ما معاحباتی با جوانان ترک و یا مردم در خیابانها داشته‌ایم، که آنها نظراتشان را در مورد یک تظاهرات، به یک مناسبت و یا در مورد یک موضوع بیان کرده‌اند. بنابراین یعنی اینکه نه فقط صدای کسانی را بشنویم که در هر صورت از نظر سیاسی فعال هستند، بلکه همچنین صدای مردمی که ناراضی هستند. باید کوشش کرد تا مردم به این نتیجه برسند که "خدای من، نه فقط شرایط برای من بیش از اندازه طاقتفرسا شده است، بلکه به دیگران نیز به همان اندازه سخت می‌گذرد!"

و بعد با استفاده از متون سیاسی این امکان به مردم بیشتر نشان

داده شد که: اگر وضعیت برایت مشکل است، پس یک حرکتی در مقابل

س: پراتیک تا کنونی‌تان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ از آن راضی هستید؟ نقاط قوت و ضعف کارتان چیست؟ آیا می‌توانی تفاوتی عمومی در باره خودتان بدهی؟

ج: انعکاس نسرمان تا بحال همیشه خوب بوده است. افرادی وجود دارند که از همه چیز عیبجویی می‌کنند و می‌خواهند همه چیز بهتر باشد، اما خودشان نمی‌خواهند همکاری کنند. استقبال که تا بحال از ما شده، خوب بوده. در باره موضوع شورای مشورتی خارجیها، یکا موضوعات خاص دیگر از مراجع رسمی، اتحادیه‌ها یا از نشریات پیشتر ما آمده‌اند. خبرنگاران حرفهای به ما تلفن می‌کنند و از ما راجع به این یا آن گروه و این یا آن موضوع نظراتشان و یا اطلاعاتی که داریم می‌پرسند. و یا می‌خواهند که با ما مصاحبه کنند.

من فکر می‌کنم حداقل تا جایی که به هانوفر مربوط می‌شود، ما خودمان را تا آنجا شناسانده‌ایم و تا آنجا جا انداخته‌ایم که افراد هم ما را جدی می‌گیرند. من فکر می‌کنم ما تا این حد موفق شده‌ایم که یک خط یکا روسی برای نسرمان اتحاد کنیم که (نسرمان) در باره چیزهای بسیار متفاوتی، عده بسیار زیادی را مخاطب قرار دهد. در باره متون سیاسی - تئوریک خالص، گزارش از تجربیات، مصاحبه‌ها، توانین جدید و یا در باره چیزهای متنوع دیگر. ما همچنین موفق شده‌ایم تعداد زیادی از افراد جدید برای هیئت تحریریه پیدا کنیم.

در حال حاضر سهیم (درصد) آلمانی‌ها (در هیئت تحریریه) کم می‌شود و سهم خارجی‌ها افزایش می‌یابد و این برای من بسیار خوشحال کننده است.

یک نبود بسیار بزرگ ما جنبه تکنیکی و سازماندهی کار است. حسون هیچیک از ما فیلاً در تهیه نسرمان کار نکرده است. همگی ما خیلی چیزها آموخته‌ایم اما اینها هنوز کافی نیستند. بزرگترین مشکل، مسوولیت نسرمان است. ما نسرمانها را حاضر می‌کنیم و وقتی آماده می‌شود، آنگاه خسته هستیم که نمی‌توانیم آنها را بفروسیم و یک امدان عادلانه مالی بوجود بیاوریم. تا بحال این صورت بوده که درآمدمان را تنها از آگهی‌ها تامین کرده‌ایم. پولی که از فروش نسرمان بدست می‌آید کافی نیست و ما باید از جیب خودمان بپردازیم. صندوق "Unsere Stimme" پول نمی‌دارد زیرا ما باید عجز بگیریم، فیلم ظاهر نشیو غیره. همه اینها را باید خودمان بپردازیم. اگر ما بهتر سازماندهی کنیم، نسای وجود دارند که حاضرند از نسرمانی ما حمایت نمایند. ما باید مره‌هایی را برای درخواست کمک مالی تهیه کنیم.

س: شما تاثیر و نفوذ نسرمان (Unsere Stimme) را در میسوان خارجی‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج: تفاوت این امر مشکل است چرا که من تماس آن چنانی با آنان ندارم. ولیکن بعضی از اعضای هیئت تحریریه که مرتب به گاه‌های ترکی می‌روند و یا در خیابان و اینجا و آنجا، به هنگام خرید و ... به ترکها برمی‌خورند، می‌گویند که آنها روزنامه را می‌سناسند. من فکر می‌کنم در میان ترکها (نسبت به نسرمان) علاقه وجود دارد. چرا که "Unsere Stimme" نسرمانی متفاوت از سایر نسرمانهای ترک زبان می‌باشد. نسرمانی است که مطالب و اخبار مربوطه به هانوفر را دنبال می‌کند. اخباری که به دست آوردنشان به زبان ترکی مشکل است. اما در رابطه با سایر ملیتها باید بگویم که تا آنجایی که ما با آنها برخورد داشته‌ایم، از کار نسرمان کاملاً راضی بوده‌اند. متاسفانه ما از جانب اسپانیایی‌ها، یونانی‌ها و ایتالیایی‌ها تا کنون برخورد فعالی ندیده‌ایم. من فکر می‌کنم که خیلی از آنها هم روزنامه را می‌سناسند ولیکن ما خیلی کم برخورد فعال به شکل "نامه‌های خوانندگان" یا خبری حاکی از اینکه آنها در این باره چه می‌اندیشند داشته‌ایم.

## اعتصاب کارگری و تداوم حرکات اعتراضی در ایران

گزارشات مختلف از منابع پوزسیون و همچنین جنب و جوشها و تکت و تاجهایسی که در محافل حکومتی جریان دارد، همگی نمایانگر تداوم اعتراضات و ناآرامیهای مردم بعد از تظاهرات گسترده جمعه ۲۷ بهمن ماه و وجود اعتصاب کارگری در تهران میباشند.

طی هفته های اخیر، اخبار متفاوتی درباره ادامه ناآرامی ها، اعتراضات و تظاهرات در تهران و شهرستانهای سردشت، سنندج، تبریز، مراغه، ورامین، مشهد، اصفهان و چند شهر دیگر و همچنین اعتصاب ۱۳ هزار نفری کارگران کفش ملی در تهران، گزارش شده است.

بعلاوه، غلام و خبرهای شخصی حکایت از شدت گرفتن اختلافات درونی رژیم و جدی تر شدن کشمکشهای داخلی رژیم دارند. چنانچه بعنوان نمونه آذری قمی در سخنرانی خود، پیش از خطبه نماز جمعه (۴ اسفند ماه) عنوانی از کسانی سخن گفته است که در "حوزه علمیه قم" مرجعیت و رهبری مذهبیی خاصه ای را قبول ندارند و آنرا رد میکنند. او از آنانی که خاصه ای را برای رهبری مسلمین صاحب صلاحیت نمیدانند، انتقاد کرد.

علاوه بر این سخنان، آذری قمی در سرمقاله ای که در روزنامه رسالت نوشت: احکام فقیه مرده (حمینی) را در مقابل فقیه زنده (خاصه ای) بی اعتبار دانست. وی گفت: دیگر اندیشه ها و سخنان حمینی که از این جهان رفته، نمیتواند همچنان بعنوان اصول تغییر ناپذیر جمهوری اسلامی باقی بماند. و بجای اندیشه ها و احکام خمینی باید اندیشه ها و احکام "ولی فقیه زنده" یعنی خاصه ای بر جامعه اسلامی حاکم شود.

با چنین موضعگیری ای توسط آذری قمی، جناحهای مختلف رژیم حولات خود را به او آغاز کرده اند. چنانچه اسد الله بیات "نماینده زنجبان" و نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، آذری قمی را به مخالفت با "خط امام" متهم کرد و گفت: "آنها در مدتی که امام در قید حیات بود، شدیداً کینه ها را در دل داشتند و فکر میکردند بعد از امام میتوانند به آمال شیطان خود برسند. اینها در فکر این هستند که اعلام کنند عصر حمینی بزرگ به پایان رسیده است." عیسی ولایی "نماینده تهران" در مجلس نیز آذری قمی را متهم کرد که در ظاهر بعنوان پشتیبانی از خاصه ای عمل میکند ولی عمده قصدش این است که افکار خمینی را مطرد کند.

ولایی پرسید: "آیا شما با تسک به رهبری فعلی نمیخواهید پیاجرایس انقلاب را کنار بزنید؟"

روزنامه کیهان نیز آذری قمی را تهدید پکرده است که در صورت ادامه سخنان انحرافی اش "او را افشاء کرده و سوابقش را فاش خواهد ساخت". همچنین تلالاها و جنب و جوشهایی که در چند هفته اخیر توسط خاصه ای و رفسنجانی صورت گرفته است نیز نشان از هراس و وحشت رژیم از اوجگیری حرکات اعتراضی دارند. در هفته های اخیر سران حکومت به نیروهای سرکوب رژیم (ارتش) سپاه، بسیج نیروهای امنیتی و غیره) فراخوانیهایی داده اند. چنانکه روز شنبه ۵ اسفند ماه (۲۴ فوریه) خاصه ای با فرماندهان یگانهای عده نیروی زمین و هوای ارتش دیدار کرد و از آنها خواست که از "نظام" دفاع کنند. وی در این دیدار اعلام کرد: دفاع از نظام جمهوری اسلامی برای ارتش از

دفاع از مرزهای کشور مهتر و با ارزش تر است. او گفت: دفاع از نظامی که رستگاری انسان، نجات بشر از همه زنجها و ناراحتیها را هدف خود قرار داده است، بسیار با ارزش تر از دفاع از مرزهاست.

علاوه بر این یک هفته بعد از این دیدار نیز خاصه ای در جلسه ای با فرماندهان نیروی زمینی سپاه پایداران به آنان هشدار داد که آمادگی خود را برای حضور در مناطقی که وجود آنها لازم است، حفظ کنند و برای "دفاع همجانبه از آرمانهای انقلاب" حاضر باشند.

خاصه ای در این دیدار گفت: "تمامی نیروهای مسلح اعم از نظامی و انتظامی و نیز نیروهای پر توان بسیج باید آمادگی خود را برای دفاع همه جانبه از دستاوردها و آرمانهای انقلاب حفظ کنند و این دستوری است که کلیه مسئولین نیروهای مسلح باید آنرا بعنوان یک وظیفه مهم تلقی نمایند."

خاصه ای اهمیت نیروی زمینی سپاه را "امروز مضاعف" نامید و افزود: "نیروی زمینی باید روز به روز از لحاظ ریزی و آموزشی و حضور در مناطقی که وجود آنها لازم است، خودش را آماده تر سازد."

خاصه نشان میسازد که تاکید خاصه ای در اینجا نه به "شال" مرزها و جبهه ها بلکه به "مناطق" است که وجود نیروهای سرکوب در آنجا "ضروری" است. یعنی وی شهرها و روستاها را با اعتراضات توده ای را مد نظر دارد.

همچنین رفسنجانی نیز روز شنبه ۵ اسفند ماه اعضای "شورای عالی امنیت ملی" را برای تشکیل یک جلسه فوق العاده فراخواند و با حضور آنان "اوضاع جاری کشور" را مورد بررسی قرار داد. او همچنین در دیدار با مسئولان واحد های حفاظت اطلاعات نیروهای انتظامی گفت: "نیروهای حزب اللهی با جسم بساز مواظبند که انقلاب اسلامی مخدوش نشود."

این هاسهگی نشانه هایی از شرایط ویژه در ایران دارند. اینکه حرکات اخیر به کجا خواهند انجامید، موضوعی است که احتیاج به اطلاعات دقیقتری از چندین اعتراضات و مبارزات توده ای میوزان توانایی جمهوری اسلامی در مقابله با آنها را دارد. و دقیقاً همین انعکاس وسیع اخبار است که رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی تلاش میوزد که با اعمال شدیدترین شکل سانسور خبری، سرکوب، سرور و دامن زدن به جو وحشت مانع آن شود.

در شرایط کسوفی یکی از وظایف مهم ما قطعاً کوشش در جهت شکستن محاصره خبری و اطلاعاتی رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی و انعکاس هرچه وسیعتر اخبار اعتراضات، ناآرامیها و اعتصابات اخیر در سطح افکار عمومی جهان است. انعکاس اخبار مبارزات توده ای بر علیه رژیم جمهوری اسلامی نه تنها به جعلیات دول سرمایه داری و رسانه های اروپایی منی بر اینکه اکثریت مردم ایران طرفدار رژیم هستند، ضربه وارد میسازد، بلکه موقعیت رژیم را در سطح بین المللی متزلزل نموده و از این طریق توانایی و امکان مانور آن در برابر جنبش توده ای را کاهش میدهد.

## اخبار کارگری

کارگران گروه صنعتی ملی اگر چه بدون گرفتن مطالباتشان با زور اسلحه مجبور شدند بر سر کارهایشان باز گردند، اما این بار کارگران نظرشان این بود که شست نخورد ماند بلکه از این اعتصاب توانسته بودند به تدارک گرانبهایی دست پیدا کنند.

\* اقتباس و تلخیص از نشریه راه کارگر شماره ۷۲ \*

★★★★★

## اعتصابات در فرانسه

Rote Fahne-10.02.1990

حدود نیمی از تمامی کارکنان راه آهن به مدت ۲۴ ساعت اعتصاب کردند. این اعتصاب در رابطه با این امر بود که راه آهن دولتی فرانسه ( SNCF ) صد دارد تا سال ۱۹۹۴ سالانه ۴۵۰۰ محل کار را کاهش دهد. کارگران مترو پاریس و بسیاری از رانندگان کامیون ها نیز به اعتصاب پیوستند. ( ۹۰/۱/۳۱ )

۵۰۰۰ تن از کارمندان بانکها در پاریس توافق اتحادیه سان با کارفرمایان را رد کردند و با خواست افزایش حقوق ۵۰۰ مارك برای همه به تظاهرات دست زدند.

از اواسط دسامبر شعبات پاریس بزرگترین بانک فرانسه ( BNP ) و از اوایل ژانویه شعبات این بانک در سراسر کشور در اعتصاب می باشند.

۴۰۰ تن از کارگران رنو، اعتصاب موفقیت آمیز دو روزه ای را در کارخانه Flins انجام دادند. به وسیله این اعتصاب از بدتر شدن مقررات مرخصی برای کارگران خارجی جلوگیری شد.

★★★

## موفقیت کارگران Daimler Benz

آلمان غربی - مدیریت کارخانه D. Benz در اشتوتگارت قصد داشت در روزهای شنبه نیز دو شیفت کار معمول کند. پس از آنکه اکثریت شورای کارخانه riebstrat در اثر فشار کارگران با این قصد مدیریت توافق نکرد، مدیریت به مرجع رسیدگی به اختلافات کارگر و کارفرما رجوع نمود.

در ۱۲ فوریه ۶۰۰ تن از کارگران به طور کلی و روز بعد ۳۰۰۰ تن دیگر از کارگران همراه با یک ساعت اعتصاب هشدار دهنده (Warnstreik) از این اقدام شورای کارخانه حمایت نمودند.

هنگام تشکیل جلسه مرجع رسیدگی به اختلافات کارگر و کارفرما ۱۵۰۰ کارگر در جلوی ساختمان محل تشکیل جلسه اجتماع نموده و فریاد برآوردند. تعطیل شنبه! سرانجام در ۱۵ فوریه مرجع فوق کار روز شنبه را رد کرد و کارگران با اعتصاب و اعتراض خود به موفقیت دست یافتند.

☆☆☆

## افزایش بیکاری در لهستان

در لهستان تعداد بیکاران در دو هفته اول فوریه در مقایسه با ژانویه دو برابر شد. اکنون برای کسانی که بدنبال کاری می گردند تنها ۲۰ هزار محل کار وجود دارد. بانک جهانی تخمین می زند که در لهستان در تعاقب تغییر سازماندهی و جهت گیری جدید به سمت بازار، تا اواخر سال امکان پدید آمدن ۱/۷ میلیون بیکار وجود دارد. و این رقم حدود ۱۰ درصد کل نیروی کار لهستان می باشد.

☆☆☆

## اعتصاب و تظاهرات کارگران گروه صنعتی ملی

کارگران قهرمان گروه صنعتی ملی بار دیگر همچون خرداد سال ۶۶ صفحه زرین دیگری بر صفحات جنبش کارگری افزودند. آنان در بدترین شرایط پلیسی و سرکوب برای گرفتن طرح طبقه بندی دست به اعتصابی بسزگی زدند و توانستند یکپارچه و مصمم با دست خالی در مقابل انبوه بیشمار مزدوران کمیته و سپاه و دادستانی که کارخانه را به محاصره درآورده بودند، ایستادگی نموده و با گسترش اعتصاب و انجام تظاهرات در سطح گروه و سعهارهای اتحاد- اتحاد- کارگران اتحاد! کارگر زندانی- آزاد باید کرد! طرح طبقه بندی اجرا باید گردد! همبستگی خود را در مقابل سرمایه داران و رژیم حامی آنها به نمایش گذارند.

کارگران گروه صنعتی کفر ملی از روز سه شنبه ۶۸/۱۰/۱۲ تا روز شنبه ۶۸/۱۰/۲۳ با اعتصاب و تظاهرات بر خواسته شان پافشاری کردند.

آغازگر این اعتصاب کارگران شرکت آزاده بودند. روز ۱۳ دیماه ۱۳۱۸ کارگران شرکت شاهد با اعلام حمایت از آنان دست از کار کشیدند.

کارگران شرکت فارس نیز ضمن استقبال از این اعتصابات به شرکت های دیگر گروه از جمله شرکت پویا، دفتر صنعتی، سهرایی ملی، چکمه ملی و ۰۰۰۰ رفته، آنها را به اعتصاب یکپارچه دعوت نمودند.

کارگران شرکت آزاده که خود آغازگر بودند، در روز ۶۸/۱۰/۱۸ به اعتصاب خود با تهیه قطعنامه ای، قرائت آن از پشت بلندگو و نصب آن در وسط سالن ابعاد وسیعتری بخشیدند.

خواسته های مطرح شده در این قطعنامه چنین بودند:

- ۱- اجرای حتمی طرح طبقه بندی از سال ۶۲ و پرداخت عیب افتادگی،
  - ۲- پرداخت ۳۰ هزار تومان عیب افتادگی نقدی و ماهیانه ۲۰۰۰ تومان بصورت لیست،
  - ۳- افزایش ۳۰٪ به دستمزد کارگران،
  - ۴- دریافت حقوق همسرداری بر اساس ضوابط شرکتهای همجوار،
  - ۵- افزایش حق مسکن و محل سرریز مشکل مسکن کارگران بدون مسکن،
  - ۶- استعفای هیچیک از مسئولین مورد قبول کارگران نخواهد بود،
  - ۷- هیچ يك از کارگران نباید دستگیر و یا مورد پیگرد قرار گیرند و کارگران دستگیر شده باید آزاد گردند،
  - ۸- حذف مقررات دست و پاگیر انضباطی در کارخانه،
  - ۹- تا زمانیکه به خواسته های فوق پاسخ داده نشود ما کارگران بر سر کار حاضر نخواهیم شد.
- علاوه بر این خواسته ها بعد از دستگیری عمده ای از کارگران، آزادی کارگران زندانی نیز به خواسته هایشان افزوده شد.
- رژیم که از این همه مقاومت و جانفشانی عاجز شده بود، در هر کوچمسه و خیابان کارخانه تعدادی ماشین سپاهو کمیته را مستقر نمود. مزدوران رژیم به خانه های کارگران ریخته و آنها را دستگیر می کردند، به لیبسه گشتهای تهران و کرم دستور داده شده بود تا سرو پیرهای کارگران را بازرسی کرده و کارگران را دستگیر کنند. در کارخانه با دادن احضاریه به اویسن و فرا خواندن کارگران به زندانها و خلاصه با سوراخ مسلحانه در روز ۶۸/۱۰/۲۳ در سطح تمامی شرکتهای گروه و با زور اسلحه کارگران را مجبور نمودند تا دستاها را روشن کنند.

# اخبار کارگری

## ۶۸ کارگر معدن در ترکیه قربانی سود جویی سرمایه داران شدند

در روز چهارشنبه ۷ فوریه ساعت ۷/۵ بعد از ظهر در يك معدن ذغال تركيه به نام Yeni Çeltik در عمق ۳۵۰ متری زمین انفجار مهیبی رخ داد که دالان - ۱۰۰ متری معدن را به آتش کشید .

مدیریت به این بهانه که امکان انفجارهای دیگری وجود دارد از رفتن به محل واقعه و کمک به کارگران معدن خودداری کرد .

اگر چه این امر آغاز شده بود که گودال ها را با بتون پر کنند و گروه متخصصان فاجعه حریق از آلمان فری در محل مستقر بود ، تا سه روز پس از این فاجعه حریق در دالان همچنان خاموش نشده بود .

رئیس بخش پزشکی کار (Arbeitsmedizin) اتحادیه پزشکان ترك ، مدیریت معدن را - مورد انتقاد قرار داد که وی حتی اقدامات قانونی و ضروری برای اندازه گیری میزان گاز در هوا و سایر اقدامات ایمنی را به عمل در نیاورده و وزارت کار نیز در این باره پیگیری ننموده است .

۱۲ ساعت قبل از انفجار آشکار شده بود که میزان گاز متان در هوا در معدن بین ۵ تا ۱۴ درصد بود . کارگران از رفتن به داخل معدن سر باز زده بودند ، ولی سرانجام مجبور به کار کردن در داخل معدن شدند .

در مطبوعات تركيه در این مورد بخفا عناوین تند و تیزی به چاپ رسید . عناوینی نظیر : " فاجعه از قبل قابل رویت بود " ، " بیستريك قتل تا يك حادثه " و " آگاهانه به قتلگاه فرستاده شدند " .



## شونه ای از شرایط غیر بهداشتی کنار در آلمان غربی

**Necati Demirci** کارگر تركي است که مبتلا به بیماری سرطان ریه میباشد . وی در ۱۹۸۵ در مرکز آزمایشهای اتمی **Karlsruhe** در ایالت بایرن متعلق به رهنس کار می کرد . وی در آنجا مجبور بود فضل آب حاوی تشعشعات رادیواکتیو برآز يك مخزن خارج کند . وی سرانجام در اثر این کار مبتلا به بیماری سرطان گردید .

پس از آنکه ماجرا برملا شد ، رئیس ناگزیر شد اعتراف کند که قبلاً نیز ۱۳۰ تن به بیماری مبتلا شده بودند . اما دادستانی در ۱۹۸۹ از اقامه دعوی بر طبقه رئیس به جرم مجروح نسودن کارگران سر باز زد . بهانه دادستانی این بود که معاینات وزارت بهداشت از **Necati** نشان می دهد که در بدن وی کمتر از حد مجاز تشعشعات رادیواکتیو وجود دارد . و این در حالی است که دو پزشک به نامها **Kuni** و **Schmitz-Feuerkake** به طور جداگانه وی را معاینه کرده و به این نتیجه رسیدند که بیماری وی آشکارا در اثر تشعشعات رادیواکتیو بوده است .

آزمایشی از قسمت سرطانی وی نشان می دهد که تشعشعات رادیواکتیو در این قسمت بین وی ۱۰ برابر بیش از آن حدی است که وزارت بهداشت اعلام نموده است .

اما تاکنون **Necati Demirci** موفق نشده است خواسته برحمتش را به کسی بنماید که بیماری وی ناشی از شرایط غیر بهداشتی کارش میباشد .

Rote Fahne

۲۴/۲/۹۰



خشم و اندوه از مرگ یاران Wut und Trauer über den Tod der Kumpel

## مبارزات مریان کودکستانها در برلین غریبی

به گزارش TAZ مورخ ۲۳ فوریه، اعتصاب مریان کودکستانها در برلین غریبی در ششمین هفته خود می‌باشد. مریان تانئون آکسیون های مختلفی را سازمان داده‌اند و بحث های زیادی را در بین خود پیش برده‌اند. در مرکز توجه بحث ها وضعیت بد مریان و خواسته های آنها قرار دارد. خواسته های مبنی بر استخدام دو مریسی برای هر گروه کودک، تشکیل گروههای کوچتری از کودکان، اختصاص زمانی برای آماده کردن کودکستانها قبل و بعد از وقت کار.

اگر چه در اثر این اعتصاب ۴۰ هزار کودک در پشت درهای بسته کودکستانها در انتظار به سر می‌برند، اما ائتلاف SPD و حزب سبزها که در برلین غریبی حکومت را به دست دارند، تانئون به خواسته های برحق مریان اعتنایی نکرده‌اند.

روز دوشنبه ۱۲ فوریه هزاران تن از مریان، والدین و بچه ها به سمت مرکز حزب SPD (حزب سوسیال دمکرات آلمان) تظاهرات نموده و بخمسای کارتهای ضویبتشان را پس دادند.

قبل از انتخابات، SPD و حزب سبزها قول بهبود در زمینه های اجتماعی را داده بودند. اما پس از انتخابات آنها به قول هایشان عمل نکردند. به عنوان مثال، در حال حاضر در برلین غریبی ۱۴۰ هزار تن در جستجوی خانه هستند و حداقل ۱۲ هزار تن بی سر پناه می‌باشند.

مبارزات مریان برلین باعث تشجیع مریان در نقاط دیگر نیز شده است. مثلاً در ماه فوریه مریان کودکستانهای هامبورگ و فرانکفورت نیز بر اسلوس "سرمشق برلین" به يك اعتصاب هتدار دهنده دست زدند و در فرانکفورت آنها به موفقیت های بسیاری نیز دست یافتند.

در خود برلین غریبی نیز در اثر مبارزات مریان، بین سناتورهای برلین سکساف ایجاد شده است و در اواسط مورخ ۳ تن از سناتورهای عضو حزب سبزها اعلام داشتند که مایلند با اتحادیه های مریان درباره يك تعرض ضمیمه به مذاکره بپردازند.

نشریه Rote Fahne مورخ ۱۷ فوریه خبر می‌دهد که بسیاری از "شوراهای کارخانه" در برلین همیستی خود را با مریان اعلام نموده‌اند و در برخی از کارخانهها بسیاری اعتصاب کمک مالی جمع شده است.

## اخبار ایران

## تساقضای وام ۲۷ میلیارد لاری جمهوری اسلامی از ژاپن فاش شد

مقامات بازرگانی ژاپن فاش ساختند که هیاتی که این اواخر از سوی وزارت نفت جمهوری اسلامی به ژاپن سفر کرده از مسئولین اقتصادی این کشور تقاضای ۲۷ میلیارد دلار وام نموده است.

قرار است يك هیات ژاپنی در اواخر اسفند ماه به تهران سفر کرده و نحوه اعطای وام مورد نظر را با مقامات جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار دهند.

خبرگزاری رویترز از ژاپن بیان داشت که هیات اعزامی ژاپنی دارای بیش از ۵۰ عضو خواهد بود و ریاست آنرا معاون اتحادیه موسسات اقتصادی و بازرگانی ژاپن به عهده خواهد داشت.

ژاپن در حال حاضر بعد از آلمان غریبی بزرگترین شریک تجاری جمهوری اسلامی است. ایران هم اکنون یکی از ۴ کشور عده تامینکننده نفت خام ژاپن محسوب می‌شود. در ماه های اخیر جمهوری اسلامی مقادیر فراوانی از نفت خام ایران را به شرکت های ژاپنی پیش فروش کرده و به ازای آن حدود ۷۰۰ میلیون دلار دریافت کرده است.

گفته می‌شود، رژیم جمهوری اسلامی، برای تامین ارزهای خارجی مورد نیاز خود بیش از ۱/۵ میلیارد دلار بواسطه پیش فروش نمودن نفت خام درآمد ارزی داشته است.

## قرارداد جمهوری اسلامی با شرکتهای چند ملیتی

در بیستم ماه ۶۸، بین دولت جمهوری اسلامی و شرکت چند ملیتی "ای-دی-سی" (موسسه بازرگانی و تولیدی گسترش بین المللی) قراردادى جهت احداث کارخانه آلومینیوم سازی در بندر عباس منعقد شده است. بر اساس این قرارداد، موسسه "ای-دی-سی" می‌تواند مالکیت حقوقی ۴۹ درصد از این کارخانه را در اختیار داشته باشد. مجری قرارداد از طرف موسسه فوق محمد مهدی آل تاجر (تجارت و سرمایه دار عرب)، شرکت انگلیسی "جورج و بیسی" شرکت "آ-بی-سی" (براون-پوری) مستقر در سوئیس و شرکت بین المللی "مارچ ریچ" می‌باشند. احداث این مجتمع يك میلیارد و ۳۵۰ میلیون دلار سرمایه لازم دارد و جمهوری اسلامی بوسیله تامین هزینه های مورد نیاز آن، به شرکت خارجی مجری قرارداد، اجازه داده است تا برای تامین هزینه ها وام از مؤسسات مالی خارجی دریافت کند.

## سرمایه گذاری شرکتهای آلمانی و اتریشی در استخراج معادن ایران

شرکت ملی فولاد ایران، پروژه بهره برداری از معادن ذغال سنگ خمرد را به شرکت آلمانی واگذار نموده است.

هزینه این پروژه ۴۱ میلیون مارك است. شرکت ملی فولاد قصد دارد تا جهت بهره برداری از معادن سنگ آهن جابلو، ذغال سنگ طبس و سنگ آهن سنگان خراسان با شرکتهای آلمانی، اتریشی و دیگر شرکتهای خارجی معاهداتی را منعقد کند.

## تقویت بنیه نظامی جمهوری اسلامی توسط دولت آلمان

دولت آلمان شرمی در طی سه ماهه آخر سال ۱۹۸۹ به رژیم جمهوری اسلامی ۲۴ فروند جنگنده میگ ۲۱، ۵۰ فروند تانک و معادیری از دیگر انواع سلاح های سبک و نیمه سنگین فروخته است.

این خبر در روزنامه (Der Morgen) چاپ برلین به چاپ رسیده است. بنا به گزارش این روزنامه موضوع فروش این جنگ افزارها به جمهوری اسلامی از طرف رئیس اداره امنیت منطقه براند نیورگ در اختیار روزنامه نهاده شد.

## سیل در جاه بهار قربانی گرفت

اواخر بهمن ماه و اوایل اسفند ماه سیل جاه بهار را به زیر آب فرو برده بود در جریان این حادثه ۱۰ نفر از اهالی و ۲ تن از ماموران امدادی جان خود را از دست دادند. علاوه بر این بر اثر سیل ۲۰۰ روستا در محاصره قرار گرفته و به ۴۰۰ واحد مسکونی خسارت وارد شده است. هم چنین بنا به گفته دکتر وحید دستجرد دبیر کل جمعیت هلال احمر ایران (۱۸۵۰ هکتار زمین کشاورزی تخریب و ۳۵۰ حلقه جاه و ۳۰ رسته قات آسیب دیده و ۲۰۰ دستگاه موتور پمپ آب منهدم شدن و کلیه راههای روستایی نیز از بین رفته است.)

بنا به اعتراف روزنامه کیهان (۲ اسفند ماه) حتی پس از گذشت ۱۰ روز از آغاز سیل این منطقه همچنان ۲۰ روستای دشت یاری در منطقه جاه بهار در محاصره سیل قرار دارند.

## فرمانده ارتش پاکستان در ایران

دول ایران و پاکستان در ماههای اخیر روابط خود را تنگ تنگ تر نموده و تلاش های دو جانبه ای در جهت گسترش هر چه بیشتر روابط خود احساس نموده‌اند. در این راستا ژنرال اسلم بیگ فرمانده نیروی زمینی ارتش پاکستان در راس يك هیات نظامی و به دعوت فرمانده کل سپاه پاسداران برای انجام يك دیدار رسمی در تهران به سر می‌برد. با تحمیل هر چه بیشتر روابط رژیم های جمهوری اسلامی و پاکستان خطر اخراج و استرداد پناهندگان ایرانی مفیم پاکستان افزایش می‌یابد. بخصوص اینکه قرارداد استرداد مجرمین نیز مابین این دول به امضا رسیده است. عواقب این قرارداد و محل آن گسترش روابط دول ایران و پاکستان دامگیز هزاران پناهنده ایرانی در پاکستان است.

# در قانون قضایی و شرع حکومت اسلامی اخبار ایران تظاهرات هزاران نفری در تهران بیان حقیقتی که در بطن جاری است

### توحش و بربریت حد نمی شناسد

اخیراً ( ۲۱ بهمن ماه ) یکی از وحشیانه ترین مجازات های اسلامی صلنا\* در تهران به مورد اجرا گذاشته شده و خیران با آب و تاب در چند شماره کیهان و سایر مطبوعات دولتی انتشار یافته است .

نهم شب ۲۲ بهمن ماه ۶۸، سه سارق مسلح به منظور سرقت موجودی بانک کشاورزی همدان، به این بانک هجوم آورده، ۱۵۰ میلیون تومان موجودی بانک را می-پایند و طی کشتکی رهن بانک، همسروی و دو فرزند خردسال آنها و هم جنسین نهمان بانک را به طرز فجیحی به قتل می رسانند، و از صحنه می گریزند .  
پانزده سه نرد و روز بعد دستگیر می شوند و ۴ روز بعد از زمان ارتکاب این حل طی احکام قضات شرع دو تن از آنها، بعد از آشوبلاش شدن توسط ضربات شلاق، گردن زنی شوند و نفر سوم را ابتدا شلاق زده سپس دست هایش را قطع کرده و بالاخره برزنامه جان او را به دار می آویزند .

پس از اجرای این توحش، جازه های بی سرو دست آنها را به جرقفیل آویخته ، در شهر همدان می گردانند ، و سرهای بریده شده آنها را بر بالای ساختمان آرامگاه بزرگی سبنا به نمایش می گذارند .

و اما " نه کلمات در توصیف جنایات و وحشیگری رژیم جمهوری اسلامی قاصرد .  
کلی وحشیانه " گردن زدن " برای اولین بار نیست که توسط رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی به امیرا در می آید . قبلاً نیز این رژیم طنا\* ( می نویسیم طنا\* ، چرا که بعد در خطا\* در ششگه گاه ها ، اسارت گاه ها، مخفی گاهها و ... خود جنایاتی مبرکات فبیح تر را مرتب می نمود ) دست به چنین اعمال تکان دهنده می زدند .  
برو\* مثلاً " سه ماه قبل در یزد، سه تن و حدود پنجاه پیش در نهانوند و همدان ۱ تن دیگر توسط درخیمان رژیم گردن زده شده بودند . اما این نحوه که ابتدا شلاق زنی سپس دست ببرند و سرانجام بدار بیاویزند یا گردن بزنند ، نشانگر اوج بربریت علنی رژیم است .

در هیچ کجای جهان منهای مرستان سمودی ( آنهم نه باین صورت فجیح ) که در آنجا نیز مردم در دمنند زیر تازیانه شیوخ مستبدله می شوند ، مجازات گردن زدن بریزند ارد .

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی برای ایجاد وحشت در جامعه ، قوانین عهد جاهلیت را به تک گرفته است . این رژیم با چنین اعمالی طنا\* رواج خشونت و تجاوز را جامعه تحمیل کرده و باعث گسترش انواع بیچاره های اجتماعی گشته است ، و صدا بر روی انحطاط کشیدن جامعه بد پهلای خود را که همانا ، لگد مال نمودن کامل شخصیت انسانی و بی حقوقی طلق انسانهاست در مقابل جامعه قرار داده و -  
کترانده است .

از همین روست که در طی حاکمیت این نظام پوسیده و متحجر ، انواع و اقسام بیچاره های اجتماعی مملک و فجاج دیگر با سرخی حیرت انگیز در جامعه فرا گیرر  
شوند .

\*\*\*

## ۱۹۰۰۰ میلیارد ریال نقد ینگی بخش خصوصی

حائری زاده نماینده بیرجند در سخنان خود در مجلس شورای اسلامی ( ۱۶ اسفند ماه ) اعتراف کرد که " ۱۹ هزار میلیارد ریال نقد ینگی دولت بخش خصوصی قرار دارد . او اضافه کرد " هر ساله دو هزار میلیارد ریال ( ۲۰۰ میلیارد تومان ) بر نقد ینگی بخش خصوصی افزوده می شود . وی همچنین گفت " این ۱۹۰۰۰ میلیارد ریال نقد ینگی بخش خصوصی یعنی قدرت پول و اقتصادی چهار برابر بودجه و هزینه های صومی دولت . و به مراتب بیشتر و قوی تر از چهار برابر قدرت پولی بودجه صومی دولت ، مجموع صنایع ملی در وزارت صنایع و معادن و شرکت های سازمان گسترش در وزارت صنایع سنگین ، ۷۵۰ میلیارد ریال در سال گردش پول و سرمایه دارند و همه شرکت های صنایع ملی و سازمان گسترش هر چه در طول سال تولید کنند بهر طریق این تولید ینگی آنها را می بلعد . " ( شایان ذکر است که بودجه سال ۱۳۶۹ کلاً ۴ هزار و ۹ میلیارد ریال می باشد )

روز جمعه ۲۷ بهمن ۶۸ ( ۱۶ فوریه ۹۰ ) تظاهراتی در تهران به بوع پیوست که خیر آن توسط خبرنگارها و رسانه های خارجی نیز وسیعاً انتشار یافت .

بر طبق برنامه ورزشی از پیش تعیین شده ای ، قرار بوده است که روز جمعه ۲۷ صابنه فوتبال در ۲ استادیم تهران ( امجدیه و آزادی ) برگزار شود . به همین دلیل ده ها هزار نفر از مردم بعد از ظهر جمعه برای تماشای صابنه تیم های استقلال - پاس در استادیم امجدیه و تیم های پیروزی - زاندارمی و راه آهن - بنیاد شهید در استادیم آزادی به سوی استادیم های امجدیه و آزادی روانه شده بودند و خیابانهای اطراف این دو استادیم ملو از جمعیت بود .  
در پی لغو برنامه صابنات ، مسئولین و انتظامات درهای استادیم را بر روی مسردم نمی گشایند ، و نا مساعد بودن زمین چمن و بارندگی روز قبل را دلیل حل خود ذکر می کنند .

به این ترتیب بود که لغو بازیها به ابراز نارضایتی مردم و تظاهرات بسیار گسترده - های طلیه رژیم جمهوری اسلامی تبدیل می گردد . مردم با حمله به تاسیسات استادیم امجدیه و شکستن درها و پنجره های آن با خشم به خیابانهای اطراف هجوم آورده و بر طلیه رژیم جمهوری اسلامی ، نیروهای سرکوب آن و شخصی خامنه ای و رفسنجانی شعار میدهند ، و نهرت صیق خود را طلیه لیت رژیم به نمایش می گذارند .

نیروهای سرکوب رژیم عاجز از کنترل تظاهرات به سوی مردم آتش می گشایند و در نتیجه حداقل ده تن از تظاهرکنندگان زخمی می شوند و تعداد بیسماری از انسان دستگیر می شوند . حتی خود رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی نیز خبر دستگیرندگان را تا لید می کند .

این حرکت و خروش متحد مردم در شرایطی صورت می گیرد که رژیم گسترده ترسین شرایط خفقانی را بر مردم محرم تحمیل کرده است و از آن جهت اهمیت دو خندان - می یابد که در حکومتی صورت می گیرد که کوچکترین مخالفت حتی از طرف خادمان واقعی خود را عقوبت سنگین ببیدد .

این حرکت اعتراضی و حرکات صابنه نشانگر این حقیقتند که انسانهای لگد مال و تحقیر شده ، زمانی که یکدیگر را در کنار هم می یابند ، زمانی که از انفراد به در می آیند و به توان جمعی خود می برزند ، چون درد مشترکی هدگی طلیه رژیم فریاد بر می کشند آنان زیر سر نیزه درخیم هویت واقعی شان را در خروش و ضدیت علیه دستا هسی می یابند که تمامی هستی آنها را به زیر چکمه گرفته است .

روزنامه جمهوری اسلامی تظاهرکنندگان را " منشی ارادل و اوایش که ماسک ورزش دوستی به چهره زده بودند " ، خواند و افزود که آنها از فرصت استفاده کرده و دست به اقتشاش زده اند .

" منشی ارادل و اوایش " اسم مستعار است که همه دیکتاتورها به هرندای مخالف که هستی آنها را به زیر سوال می کشند ، میدهند . ولی آنجا که ظم به مردان دولتی ادعا می کنند که مردم " از فرصت استفاده کرده و دست به اقتشاش زده اند " ، واقعیتی را بیان میدارند . آری مردم در مدتی که طی حاکمیت جمهوری اسلامی یک طسره آب خوش از گویستان پائین نرهد ، در پی فرصتند تا درد و رنج ، سرکوب و خفسان ، فقر و بدبختی ، آوارگی و بی خانمانی و استعمار و وحشیانه خود تحت سیطره جمهوری - اسلامی را فریاد کنند . این دردهای مشترک است که زمانی کوچکترین فرصت به دست مردم میآید به شور ، غلیان و خروش طلیه رژیم تبدیل می شود ، و آنها را به صحنه مبارزه می کشاند تا اراده خود را در مقابل رژیم فرار دهند .

آنها در این فرصت ها ، زمانی که در کنار هم قرار گرفته اند نشان میدهند که در زیر سر نیزه وحشی ترین رژیم های سرکوب دنیا نیز می توان سنگر بر پا کرد و عزم راسخ خود را در ضربه زدن به رژیم نشان داد .

امروز در شرایطی که منشی طافیت طلب به جناح های از هیات حاکمه دل بسته اند و یا زمره تبلیغ طلیه انقلاب ، برای آنان به ضلیتی بدل گشته ، مردم در دمنند و زجر کشیده ایران با عزم استوار خود و با شعارها پیمان بر طلیه کلت رژیم جمهوری - اسلامی ، آینده خود را در یک انقلاب فهر آمیز بر طلیه نظام حاکم می جویند .

\*\*\*\*\*



اخبار جهان

اوضاع در جمهوری تاجیکستان شوروی  
از دست دولت خارج شده است

تلویزیون شوروی گزارش داد که موج خشونت های ضد روسی طی روز چهارشنبه ۲۵ بهمن ماه ( ۱۴ آوریل ) در سمر ( دوشنبه ) پایتخت جمهوری تاجیکستان شوروی و کشورهای اروپای شرقی که در حال جرخش به سوی اقتصاد بازار است بصورت شوروی، ایجاد گسترده ای یافته و کنترل اوضاع پس از ۳ روز درگیری از دست دولت آن انجام گیرد. کویا اقدام به صادرات با شرایط مساعد تر بخصوص به ژاپن و فرانسه خارج شده است.

\*\*\*

طبق برآورد ها تا روز ۲۹ بهمن ماه بر اثر درگیری های این شهر حداقل ۹ نفر کشته و بیش از ۲۲۳ تن مجروح شده اند. علاوه بر این خسارات مادی عظیمی نیز ببار آمده است و ده ها تن دستگیر شده اند.

در طی این تظاهرات و ناآرامی ها، مقامات شوروی نیروهای کتکی چتر باز به این سمر اعزام کرده اند. رهبری حزب کمونیست جمهوری تاجیکستان شوروی ( کاخار ماکتاف ) به سبب این ناآرامی ها از مقام خود استعفا داده است، اما این استعفا از طرف کمیته مرکزی حزب رد شده است.

مالکیت خصوصی از لحاظ حقوقی در شوروی قانونی شد شورای عالی اتحاد شوروی با ۳۰۵ رأی موافق در مقابل ۳ رأی مخالف و ۱۱ رأی ممتنع از لحاظ حقوقی قانونی بودن مالکیت برای ابزار تولید را تصویب رساند. این قانون از آغاز ماه یولی (۹۰ تیر ماه ۶۹) به

مورد اجرا گذاشته خواهد شد. تاس خبرگزاری رسمی شوروی، تصویب این قانون را یکی از دستاوردهای عده گورباچف برای اصلاحات اقتصادی نامید.

محکومیت آمریکا توسط کمیسیون سازمان ملل

در تاریخ ۲۰ آوریل کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل با اشریت ناچیزی تسخیر پاناما به وسیله گردانهای آمریکائی را محکوم کرد. از مجموع ۴۳ عضو کمیسیون ۱۴ عضو به قطعنامه ای که توسط وزیر خارجه کویا ارائه شده بود و در آن دولت آمریکا محکوم گردیده بود، رأی موافق ۸، ضو رای مخالف ۱۷ و ضو رای ممتنع دادند. چهار ضو نیز در رأی کمیی شرکت نکردند.

گورباچف خواستار استفاده از تمامی قدرت قانونی علیه این ناآرامی ها

بگزارش رویتیر، گورباچف در مراسم گشایش سوراجمالی شوروی گفت " بهترین سیاست قانون مربوط به مقابله با بی نظمی ها تعدیم مجلس شده است. وی افزود " دامنه خشونت های قومی از بانو مرکز آذربایجان شوروی به دوشنبه مرکز تاجیکستان کشانده شده و سرنونت کشور به توقف کردن آن بستگی دارد. گورباچف ادامه داد " سرنونت کشور و امنیت به خطر افتاده است و تهدید نمود: " ما برای خاموش کردن سلسله های آتش باید تن به هر کاری بدهیم "

جالب است بدانیم علاوه بر آمریکا و حکومت دست نشانده پاناما، دولت آلمان غربی و دولت دیگر اروپای غربی با محکوم کردن آمریکا مخالفت نمودند.

خبرگزاری فرانسه از سئو به نقل از بولتن خبری رادیو سئو خاطر نشان کرد: از آخرین درخواستهای تظاهرکنندگان گشوده شدن مرز این جمهوری با افغانستان است.

\*\*\*

کیهان ۲۸ بهمن ماه

فروش تسلیحات پیچیده نظامی به و سیله آلمان غربی

مناجیح دولتی درین اعلام کردند که، آلمان غربی طی سال گذشته بطور محرمانه با فروش دو فروند زیر دریائی به رژیم اسرائیل و یکصد دستگاه زره پوش ضد هوایی لوتیارد به عربستان موافقت کرده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه مناجیح یاد شده افزودند که شورای فدرال امنیت آلمان غربی به ریاست هلموت کهل صدر اعظم آلمان غربی طی آخرین جلسه خود که دو ماه پیش تشکیل شده بود، این تصمیم را گرفته است. بی از نمایندگان ضو حزب مخالف سوسپال دمکرات روز پنجشنبه ( ۲۶ بهمن ماه ) گفت که دولت کهل محدودیت های وزارت امور خارجه را نادیده گرفته است. وی افزود که موافقت محرمانه با فروش اسلحه بر خلاف قانون مربوط به کنترل فروش ادوات جنگی است. روزنامه ( زود دوچیس زایتونگ ) نیز در روز پنجشنبه نوشته بود که شرکت کراوس مانی واقع در مونیخ اجازه فروش یکصد دستگاه زره پوش به عربستان را بدست آورده است. این روزنامه افزود که هم اکنون سرگرم مذاکره برای فروش جنگ افزار به چند کشور دیگر میی است.

این ناآرامی ها در روز پنج سنبه ۲۶ بهمن ماه ( ۱۵ آوریل ) به سرنگونی رهبریت این جمهوری منجر شد و معاون نخست وزیری این جمهوری رهبریت جدید " کمیتسه موقت خلقی " را بر عهده گرفت.

سیر شوروی در افغانستان آمریکا را متهم کرد در تظاهرات و ناآرامیهای اخیر جمهوری تاجیکستان شوروی دخالت داشته است. این نخستین بار است که یک مقام شوروی آمریکا را صریحا " به دخالت در ناآرامیهای جمهوری های شوروی متهم می کند. بگزارش رادیو بی بی سی سیر شوروی، پاکستان را نیز به همکاری با آمریکا در این زمینه متهم می کند.

دری این ناآرامیها کارگران در شهر دوشنبه برای دومین روز بهای دست از کار کشیدند و به اعتصاب پرداختند.

\*\*\*

پارلمان شوروی نحوه جدائی جمهوریهای این کشور را بررسی می کند

بر اساس لایحه ای که به پارلمان شوروی ارائه شده کلیه جمهوریهای شوروی میتوانند است که پارلمان شوروی را به همه بررسی بگذارند.

رادیو سئو خاطر نشان کرد که همه بررسی می تواند از جانب پارلمان آن جمهوری ها یک سوم از ساکنان ۱۸ سال به بالای آن تقاضا شود. همه بررسی باید حداکثر تا ۶ ماه پس از تصیم گیری در مورد آن برگزار شود و سه چهارم از رای دهندگان آن جمهوری باید در رأی کمیی شرکت کنند.

در این حال " بوری بویاس " یکی از نمایندگان جمهوری لتونی خاطر نشان کرد که در این لایحه پیش بینی شده که کنگره نمایندگان شوروی به عنوان آخرین مرجع باید با استقلال جمهوری ها موافقت کند. وی افزود " علاوه بر این، جمهوریهایی که از شوروی جدا شوند باید مخارج کلیه کارخانه های ساخته شده در آن جمهوری و هم چنین هزینه انتقال اشخاصی را که می خواهند از آن جمهوری مهاجرت کنند را به سئو بپردازند "

\*\*\*

سو استفاده جنسی از کودکان

طبق گزارش روزنامه TAZ، سالانه ۳۰۰۰۰۰ کودک از همه اقنار اجتماعی در آلمان غربی مورد سو استفاده جنسی فرار می گردند. حدود ۹۰ درصد از این کودکان دختر می باشند و سو استفاده کنندگان اکثرا از افراد خانواده مثل پدر، عمو، دای، برادر و ... می باشند.

\*\*\*

اخبار جهان - اخبار پناهندگی

۱۴/۲/۹۰

اهدای دوران استالین

حقیق گزارشی که از حزب KGB (سازمان امنیتی شوروی) درباره اهدام های دوران استالین منتشر شده است، از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۳ تعداد ۷۸۱۰۶۶ نفر...

☆☆☆

پیشنهاد تحریم کلاسهای دوس

نمایندگان لوتیا "Gesamtschule" (مجموعه های آموزشی که معمولاً از چند نوع دبیرستان تشکیل می شوند) در استان نوردراین وستفالن...

بر اساس تخمین های موجود در استان نوردراین وستفالن در سال گذشته به خاطر کمبود معلم حدود ۱۰ میلیی ساعت دوس کسر شده است...

حکومت این استان در مقابل اعتراضات شدت یافته آونیا، مدعی استفاده تصدداً بیشتری از معلمان به وسیله دولت است. اما این یک ادعای بیهوده است...

پیشنهاد اولیا، برای تحریم کلاسهای دوس در ۲۷ مارس می تواند به نفع صفتی در مبارزات معلمان و دانش آموزان نوردراین وستفالن برای بهبود وضعیت آموزشی در این استان تبدیل گردد.

☆☆☆

زیان دهقانان از تصمیمات بازار مشترک

در زاویه دو تن از دهقانان در Ostfriesland و Friesland خودکشی کردند. زیرا با وجود محدودیت در فروش شیر که از جانب "شیرهای عالی" بازار مشترک تعیین شده بود، نمی توانستند ادامه کار بدهند.

بسیاری از دهقانان در Ostfriesland و Friesland در اثر کسری پول شیر در فوریه و مارس هیچ درآمدی ندارند و نمی توانند هزینه محل کارشان را بپردازند. کار به اینجا رسیده که بخش "حتی شیرمان را به دام هایمان می دهند و بد پسندیده در مصرف شیر خشک صرفه جویی می کنند..."

از جمله تصمیمات دیگر، اینست که از ۴۰۰ هزار لیتر شیر به بالا یک سهم اضافی برای فروشندگان تعیین شده. به عبارت دیگر دهقانان نتوانند بدینوسیله به وسیله دولت حمایت می شوند، در حالی که دهقانان فقیر و میانه حال تحت فشار قرار می گیرند.

دولت آلمان تا کنون به اعتراضات دهقانان ترتیب اثری نداده است.

تظاهرات ۱۵۰۰ نفره بر علیه قانون خارجیها:

در روز شنبه ۱۲ فوریه، که شماره حاضر پویش آماده انتشار می شد، در هانوفر تظاهراتی با شرکت حدود ۱۵۰۰ تن بر علیه پویش نویسی جدید قانون خارجیها برگزار شد.

فراخوان اولیه تظاهرات را اتحادیه DGB بخشنیدرزاکسن، جریان Arbeiterwohlfahrt بخشر هانوفر، مراکسیون حزب سبزها در شهرداریها (GABL) و فراکسیون SPD در شهرداریها تشکیل سپهروندان خارجی در نیدرزاکسن و تسکلی از کنیساها دعوت کرده بودند. این گروهها در مقابل "یک قانون خارجیهای تبعیض آمیز خواستار" یک قانون خارجیهای انسانی می باشند.

در مقابل خواست فوق، چند تشکل و جریان آلمانی و ملیتهای دیگر، در یک بلوک مستقل و با خواست "الغای" هر نوع قانونی برای خارجیها و حقوق مساوی برای همه، در این تظاهرات شرکت نمودند. این تشکلها عبارت بودند از: DDF، Unsere Stimme، حزب نونیست آلمان (KPD)، حزب سبزها در مجلس، انجمن فاسیستهای دانشگاه، BWK، Volksfront و Devrimci Isci.

بلوک اخیر اعلامیه های خود را پخش نمود و با شعارهای مستقل خود در تظاهرات شرکت کرد و مهم تر از همه اینکه دو تن از نمایندگان این بلوک از بست بلندگو با کسب اجازه قلمی از برگزار کنندگان تظاهرات، نصرات خود را به زبانهای آلمانی و ترکی میسر بر ضرورت "الغای" هر نوع قانونی برای خارجیها توضیح دادند.

بخشی از رفقای کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران نیز با بلوک مستقل فوق همکاری نموده و اعلامیه های این بلوک را به زبان فارسی ترجمه و پخش کردند. از دیگر سخنرانان این مراسم، مایب رئیس اتحادیه DGB در استان نیدرزاکسن و نماینده های از "کمیته علیه نژاد پرستی و دستمزد با خارجیها در هانوفر" بودند.

☆☆☆

تظاهرات در هانوفر

در روز شنبه ۲۴ فوریه تظاهراتی با شرکت ۱۰۰۰ تن در هانوفر برگزار شد. تظاهرات که مدت ۴ ساعت به طول انجامید، بر علیه سیاست دولت مبنی بر تخلیه ساکنین خانه های قدیمی در مناطق Nordstadt و Linden و مشکل نبود خانه برپاسد در مسیر تظاهرات که حدود ۱۰ کیلومتر بود، در محل های مختلف سخنرانی های انجام می شد.

آنچه بخصوص جلب نظر می کرد وجود انبوهی از واحدهای پلیس ضد شورش بود که بخشاً "سوار بر اسب تظاهرات را کنترل می کردند". از جمله محله های که تظاهر کنندگان با تخلیه ساکنین آن مخالف بودند، محله اسپرنگل (Sprenkel) است. این محله که از سال ۱۹۸۷ توسط ده ای از مردم بی سر پناه اشغال شده، همواره در معرض تهاجم نیروهای پلیس و فشار دولت به منظور تخلیه ساختمانهای آن بوده است.

ریاست عالی شهرداری هانوفر بر تخلیه محله اسپرنگل پای می فشارده، در حالی که فراکسیون حزب سبزها در شهرداریها (GABL) و SPD از موسسه ای در برلین به نام BBJ Consultancy دعوت کرده اند تا در این رابطه بین دولت و اهالی اسپرنگل همکاری در میان کند.

☆☆☆☆

فراخوان به یک تظاهرات سراسری

گروهها و سازمانهای مختلف آلمانی (Radikale Linke، DKP-Erneuerer) و گروه تحقیق صلح حزب سبزها (به یک تظاهرات سراسری در ۵ ماه مه تحت شعار "آلمان هرگز!" فراخوان داده اند) و قصدشان از این شعار مخالفت با اتحاد دو-

آلمان می باشد . در کنار شمار اصلی ، خواسته های دیگری نظیر آلمان فرسی بدون ارتش نیز تصویب شده اند . در مورد محل تظاهرات صحبت بر سر بین با فرانکفورت است .



آکسیونهای اعتراضی بر علیه قانون جدید خارجی ها

( به نقل از روزنامه TAZ شنبه ۲۶/۲/۹۰ )



تورسیم" بهانه های برای رد تقاضای پناهندگی

از این به بعد کسانی که بر علیه رژیم حاکم بر کشورشان مسلحانه مبارزه کرده اند تقاضای پناهندگی شان از طرف دولت آلمان رد شده محسوب می گردد . یکی از افراد جب کرد ( ترکیه ) که در کشور ترکیه و آلمان با نیروهای جب گسرا همکاری داشته است ، تقاضای پناهندگی اش در آلمان ، در دادگاه اول رد می شود . وی بر علیه این تصمیم دادگاه قانون اساسی ( Bundesverfassungsgericht ) شکایت کرده ، خواستار تجدید نظر در این حکم می شود . اما دادگاه مذکور با این ادعا که کسانی که در داخل کشورشان عملیات تروریستی انجام داده اند و در اینجا نیز از سازمانهای تروریستی و اعمال آنان حمایت می کنند ، در واقع در جستجوی مرصه جنگ جدیدی هستند و نه محلی برای صلح و آرامش . و این چنین تقاضای پناهندگی وی را برای دوامین بار رد می کند . و این همه در حالی است که پناهجوی مذکور مدارک کافی صینی بر اینکه در کشورش حبس ، مجازات و شکنجه او را تهدید میکند ، را به دادگاه ارائه داده بود .

زندانگ های " تورسیم " ، " اخلال در نظم " ، " خرابکاری " و " .... زدن انگ های بر حق مردم و جنبش های انقلابی آنان از جانب حکومت های سرمایه داری به مقاومت های بر حق مردم و هیچ وجه مختص دولت آلمان و دادگاه های پناهندگی آن نمی باشد . از نظر این نوع حکومت ها ، معمولاً " سرکوب ، وحشیگری و عملیات تروریستی دولتها اموری " صمیمی " است و به " اوضاع داخلی کشورها " مربوط می گردد . در صورتی که مقاومت بر حق مردم در مقابل وحشیگری های دولتها و برای تحقیر و خولسته هایشان " تورسیم " و " اخلال در نظم " و " .... به حساب می آید . اما آنچه در اینجا قابل تعمق است اینکه با چنین بهانه های می توان تمام کسانی را که از جنبش های انقلابی و مسلحانه از جمله جنبش انقلابی کردستان ایران حمایت می کنند و یا به گروه های متعلق دارند که در این جنبشها شرکت دارند ، از حقوق پناهندگی محروم نمود .

این تصمیم دادگاه ، در واقع علی نمودن قانون جدیدی است که دولت ضد دارد ، برای خارجی ها به تصویب برساند . این قانون گرچه هنوز به تصویب نهایی نرسیده است ، اما زمینه های پیچید علی آن می افکند می شود . بر طبق این قانون ( قانون خارجی ها ) اگر کسی در کشورش و یا هر زمان دیگری به عملیات مسلحانه مبادرت نموده باشد ، نه تنها تقاضای پناهندگی او رد میگردد ، بلکه کلا اجازه اقامت در آلمان را نیز نخواهد داشت . علاوه بر این طبق این قانون حمایت از سازمانهایی که از طرف دولت آلمان تروریست قلمداد می شوند ، مجاز نبوده و در صورت هواداری از چنین سازمانهایی قویا امکان لغو اجازه اقامت و اخراج آنها از آلمان فریب وجود خواهد داشت .



موج استرداد پناهندگان شدت می گیرد:

کارلسروهه - ۸/۲/۹۰ - در یک دیدار از ساختمان جدید تأسیس ZAST ( اداره مرکزی ) در تاریخ ۲۵/۲/۹۰ ، سله Schlee وزیر داخله ایالت بادن ورتمبرگ Baden Württemberg مدل شهر کارلسروهه را برای سرعت بخشیدن به جریان کار پناهندگی و شهر کارلسروهه را برای سرعت بخشیدن به جریان کار پناهندگی و " اداره مرکزی استرداد پناهندگان " توسعه کرده است . این اداره در سال ۱۹۸۹ در استان بادن ورتمبرگ تأسیس شده است . نتیجه اینکه از ۱۷۰۰۰ نفر تقاضای پناهندگی در ایالت بادن ورتمبرگ تعداد ۵۹۰۰ نفر از آنان دوباره این ایالت را ترک کرده اند . اینکه این برنامه چند رد ترسانیدن یک پناهنده خوب عمل می شد و متسر روشتن می شود که می بینیم ، تعداد ۳۰۰۰ پناهنده قبل از منحصر شدن تصمیم گیری ، در مورد وضعیت پناهندگی شان این ایالت را ترک می کنند ، حدود ۱۲۰۰ مفقود می شوند ، حدود ۱۲۰۰ نفر برای جلوگیری از پس فرستادن دشمنان ترجیح می دهند که خودشان آلمان را

حدود ۳ هزار نفر در روز ۲/۲/۹۰ در شهر برلین فریب بر علیه قانون جدید خارجی ها دست به راهپیمایی زدند . این راهپیمایی از طرف گروه های مختلف پناهندگان و نیز گروه های ضد فاشیست دعوت شده بود . در این روز در کلن نیز راهپیمایی دیگری به همین مناسبت صورت گرفت که حدود ۱۰۰ نفر در این راهپیمایی شرکت نمودند . از جمله گروه های دعوت کننده به سه این راهپیمایی گروه ۳WK و Volksfront می باشد .



خبری از کمیته مترقی چپ پناهنده در هلند

در هلند کمیته زنان مترقی چپ پناهنده ایرانی متشکل از زنان مترقی اسلام موجودیت کرده اند ، این کمیته برای ۸ و ۷ ، ۶ ماه برنامه ای مد نظر دارد . این کمیته در این ۳ روز وارد احصاب غذای خود و تا به حال ۱۵ نفر اسلام آمادگی برای وارد شدن به احصاب غذا کرده اند . لازم به تذکر است که این کمیته قبلاً به نام کمیته زنان مترقی پناهنده ایرانی اعلام موجودیت کرده بود . ولی به علت اینکه دو هفته اخیر مجاهدین در آستردام دست به تبلیغات زیادی زده بودند و تحت نام زنان مترقی نیز تبلیغ صورت گرفته بود ، این تشکل بعد از بحث و تبادل نظر تصمیم گرفت که واژه چپ را به دنبال نام خود بنویسد ، تا بدینوسیله خط و مرز خود را با مجاهدین روشن کند ، در این مورد تمام زنان اتفاق نظر داشته اند . احصاب مذکور در آستردام صورت می گیرد و مقابله و افشای جمهوری اسلامی و کشتارهای وحشیانه در زندانها و مخصوصاً فشار و شرایط غیر دشراتیگ برای زنان را مد نظر دارد . همچنین برنامه های دیگری که در دستور کار این کمیته برای این ۳ روز قرار گرفته است عبارت است از تأثیر خیابانی از اعدام زندانیان سیاسی ، زن حامله و غیره و هم چنین نمایشگاه عس از شرایط زنان در ایران ، زندانیان و اعدام ها .



(( مجبور نمودن پناهندگان به ترك محل سکونت خود ))

اوسی شولتسز صاحب هتل آلبرا در شهر پاولی ، روز جمعه ۲۳ موربه ضد داشت است که پیش از ۱۰۰ پناهنده پاکستانی ، افغانی ، ایرانی ، عراقی و کرد را از هتل بیرون کند . اداره سوسیال ( اداره تأمین اجتماعی ) نیز به این پناهندگان گفته که در حال حاضر امکان یافتن جای سکونت دیگری برای آنها موجود نیست و تسلیم نقطه سکونی برای بی خانمانها ، بر میآیند و از آنها خواسته است که خود شخصاً در سزدن یافتن خانه و البته آن هم با قیمت مناسب بایستند .

طیرم اعمال فشار از طرف صاحب هتل و عدم کمک اداره سوسیال ، پناهندگان ساکن در این هتل با یکدیگر هم نظر و متحد گشته و تصمیم گرفته اند که اجازه برانگشده نردن خود را به کسی ندهند .

فرد کردی می گوید : " در صورتی که ضروری باشد اینجا را اشغال می کنیم . فرد دیگری که پدر را فرزند می باشد ، می پرسد : " پس ما کجا باید برویم . آیا باید با بچه ها همان در خیابان بخوابیم . " بیانه صاحب هتل در مورد بیرون کردن پناهندگان ، تعمیر هتل می باشد . یکی از همکاران صاحب هتل با واقعیت می گوید : " به ما چه ربطی دارد که این آدمها در خیابان بنشینند ، این مشکل آنهاست و نه مشکل خانم شولتسز " ( صاحب هتل ) .

گروه کار مربوط به پناهندگان ( Arbeitskreis Asyl ) ، نیز می گوید که به اعتقاد آنها ، صد صاحب هتل از بیرون کردن این پناهندگان این است که بتواند مهاجرین کشورهای اروپای شرقی را بپذیرد ، چرا که پذیرش و جای دادن به آنها در حال حاضر سود آورتر است .

پناهندگان احتمال می دهند که بیرون کردن آنها از این هتل تنها یک گام اولیسه باشد و رفت رفته در گامهای بعدی به بیرون کردن آنها از آلمان منجر گردد . به

ترك کنند و نیز ۵۴۰ نفر پس فرستاده می‌شوند.

البته هنوز این تمام برنامه نیست. در حالی که درصد قبولی پناهندگان در کل آلمان به رقم ۵/۸ درصد تنزل پیدا کرده (در مقایسه با سال ۱۹۸۸ که ۸/۶ درصد بود) این رقم در استان بادن ورتمبرگ در سال ۱۹۸۸ فقط ۳ درصد بود. همچنین فشار بر روی پناهندگان از طریق سرقت بختیدن به دار پناهندگی خیلی بیشتر می‌شود. به همین منظور دولت این ایالت تصمیم گرفته است که ۱۴ قاضی جدید و هیئت استیشار را جهت سریعتر کردن کار پناهندگی به تعداد کارمندان اضافه کند و در ضمن به "اداره اجراییه دادگاه عالی شهر استوتگارت و کارلسروهه یک شعبه اضافه می‌شود.

اگر قانون جدید خارجی‌ها به تصویب برسد این شعبه‌ها با پرسنلهای کار کوتاه مدتشان و حتی نامتربن خواهند کرد. حکومت بایرن در مورد قانون خارجی‌ها پیشنهاد کرده است که "برای پناهندگانی که رد می‌شوند در آینده فقط یکبار حق اعتراض وجود داشته باشد" بنحویکه پس فرستادن چنین پناهندگانی که تا به یک سال طول می‌کشد به مدت چهار هفته برسد. همچنین سله Schlee اعلام کرده است که در بادن ورتمبرگ یک قانون در دست اقدام است که اگر پناهندگان رد شده پس از انقضای مهلت اقامتشان نخواهند آلمان را ترک کنند. استیگر می‌شوند. در زمانی که دادگاه ۹۵ درصد از تقاضاهای پناهندگی را رد می‌کند همین دادگاه فقط به ۶۰ درصد از این تعداد Duldung می‌دهد.

آنجایی که حقوق پناهندگی نفع می‌شود هدف دولت فقط استرداد پناهندگان نیست بلکه کاملاً منحصر است که فشار را بر روی پناهندگان کند و غیر قابل تحمل می‌کنند که آنها ترجیح بدهند با پای خودشان آلمان را ترک کنند. کل این صرح الهام گرفته از نظرات فاشستی می‌باشد.

★★★★★

### آمار کاهش قبولی پناهندگان

نگاهی کوتاه به آمار اعلام شده از سوی دولت آلمان نشان می‌دهد که حقوق پناهند- هر ساله از سوی این دولت چون دیگر دولتهای اروپایی بیشتر مورد تعرض قرار گرفته و نشان از بی اعتباری صدمات کنوانسیون ژنو در مورد حقوق پناهندگی از جانب امضا کنندگان آن است.

طبق آمار اعلام شده در سال ۱۹۸۹ از کل ۱۲۱۳۱۸ نفر متقاضی پناهندگی فقط ۹۹۹ نفر بعنوان پناهنده سیاسی پذیرفته شده که در حدود ۵/۴ درصد را شامل کرد.

قابل توجه است که در سال ۱۹۸۸ از کل متقاضیان پناهندگی که ۱۰۳۰۷۶ نفر- بوده اند ۸/۶ درصد قبولی داشته و در سال ۱۹۸۷ درصد قبولی ۹/۴ رسیده است. یعنی هر ساله میزان پذیرفته شدن متقاضیان کاهش یافته است.

در همین رابطه است که مراکز استرداد پناهندگان مردودی در چندین ایالت پررود آمده و شویل وزیر کشور آلمان اعلام نموده که در سال آینده به استرداد پناهند- ۳۰۰ مردودی باید سرعت بیشتری داده شود.

★★★★★

### رد تقاضای تغییر پناهندگی

Hans Engelhardt - وزیر از حزب FDP - خواست حکومت بایرن مبنی بر تغییر حق پناهندگی تضمین شده در قانون اساسی را رد کرد. وی درین گفت "این اساسی پیچیده است که این خواست را همواره برای اهداف انتخاباتی به بحث صوبی گذاشت. رحالی که می‌دانیم برای چنین تغییری در قانون اساسی امکان دستیابی به اکثریت دو سوم در مجلس فدرالی و مجلس فدرال (Bundesrat) وجود ندارد.

خواننده توجه دارد که آقای وزیر استدلالش بر این پایه نیست که حق پناهندگی یک حق پایه ای و ابتدای انسانیت و نمی‌توان و نباید آن را نادیده گرفت. بلکه وی به هم طارها پیش‌تذکر می‌دهد که اکثریت مورد نظر تا اطلاع ثانوی در مجلس آلمان قابل دسترس نیست و در راه تغییر و باجبال نمودن این حق مواضعی و شکستکی وجود دارد.

### نمونه دیگری در جهت تضییق حقوق پناهندگی

بنا به گزارش روزنامه TAZ مورخ ۲۲ فوریه، از اول ژانویه ۱۹۸۹ تمامی تقاضای پناهندگی در استان بادن ورتمبرگ (Baden-württemberg) به اداره خارجیها در شهر Karlsruhe فرستاده می‌شوند. اداره خارجیها در جنب اداره مرکزی متقا - ضهان پناهندگی (ZAST) اداره به رسمیت شناختن پناهندگان خارجی و پرسک خوابگاه پناهندگان قرار دارد.

این نوع تمرکز موجب شتاب بسیار پروسه پناهندگی شده و اکنون این پروسه به ۴ تا ۶ هفته تقلیل یافته است.

بنا به گزارش TAZ، B. Münch وکیل و متخصص امور پناهندگی در این رابطه معتقد است "پناهنده به یک موضوعی اراده پروسه (پناهندگی) بدل می‌شود" وی هیچ امکانی ندارد که از حقوق خویش به نحو موثری دفاع نماید.

Münch معتقد است که به این ترتیب از راهنمای حقوقی پناهنده جلوگیری می‌شود و بر اساس این مدل به سختی زمانی باقی می‌ماند که پناهنده از امکانات محدود خویش استفاده نموده و یا حتی با وکیل مشورت کند.

و خاتم اوضاع وقتی بهتر درک می‌شود که در نظر داشته باشیم که دادگاه اول - اهمیت بسیار زیادی برای پناهنده دارد و اگر پناهنده ای که صلاح محرم از مساوره حقوقی است در دادگاه اول رد شود و بخواهد در دادگاه دوم در گفته های خود تغییراتی بدهد و یا آن گفته را تکمیل کند، این توضیحات همواره با نابوری و بی اعتباری مسئولین مواجه می‌گردد.

یادآوری می‌شود که در استان نیدرزاسن نیز تغییرات مشابهی در جهت شتاب بخشیدن به پروسه پناهندگی و از این طریق جلوگیری از مشاوره حقوقی پناهندگان و کم کردن باز هم بیشتر شانس قبولی شان صورت گرفته است. بر اساس قانون مصوب مجلس نیدرزاکسن از اول اکتبر ۱۹۸۹ متقاضیان پناهندگی در استان نیدرزاکسن می‌بایست مستقیماً به برانتسواک منتقل گردیده و حداکثر طی ۱۴ روز کلیه مراحل پناهندگی خود تا دادگاه اول را طی کنند.

★★★★★

### نئو فاشیستها در لایپزیگ

آلمان غربی. پس از تظاهرات دوشنبه ۵ فوریه در لایپزیگ حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ تن از نئو فاشیستها (Skinsheads) دور هم گرد آمدند. آنها قبلاً در تظاهرات لایپزیگ اعلامیه حزب Republikaner یکی از گروههای نئو فاشیست در آلمان غربی را پخش کرده بودند. باند نئو فاشیستها که بخش از آلمان غربی به آنجا آمده بودند، با شعارهای ضد خارجی به طرف یک باره نام Milch-Mokka-Bar که در آن بسیاری از سیاهپوستان رفت و آمد می‌کنند، حرکت نمودند.

نئو فاشیستها حاضرین در بار را تهدید کردند و به طرف پنجره شیشه‌ای بارنسکی هرتاب نمودند. پلیس که وضعیت اضطراری به آن اطلاع داده شده بود، با تاخیر بیش از یک ساعت در محل حادثه حاضر شد.

★★★★★

### پلیس آلمان در کنسار فاشیستها

روز شنبه (۱۷ فوریه) طرفداران حزب فاشیستی "NPD" در فرانکفورت ضد داشتند، ضمن یک راهپیمایی در شهر در بین مردم این شهر مسئله وحدت دو آلمان را تبلیغ نمایند.

به گونه خود جوتی حدود ۱۰۰۰ نفر از عناصر مترقی و ضد فاشیست این شهر در مقابل آنان فرار گرفته و یا اقدام به موقع خود مانع راهپیمایی فاشیستها می‌شوند. آتش فاشیستها توانستند با حل خود مانع تبلیغات ناسیونالیستی - شونیستی فاشیستها شوند. در این میان بین فاشیستها و آتش فاشیستها زد و خورد در می‌گیرد و طبق معمول پلیس به جانب داری عناصر فاشیست وارد عمل شده، ضمن ضرب و شتم کردن دهه ای از نیروهای مترقی، ۲۷ تن از آنان را دستگیر می‌کند.

★★★★★

۱h. نا هذ ۳۳۳۳ رحا ۳۰۰۰

دعوت به جلسه اطلاعاتی پیرامون قانون خارجی ها با حضور یکی از وکلای آلمانی

همانگونه که کما بیش در جریان هستید، دولت آلمان غریب برای محدود تر نمودن حقوق خارجی های مقیم آلمان پیش نویس قانونی موسوم به قانون خارجی ها را تدوین و برای تصویب به مجلس آلمان ارائه کرده است. در این طرح خارجی ها علناً و رسماً به عنوان انسانهای درجه دوم و حتی درجه سوم در جامعه آلمان تشریح داده شده اند.

با تصویب این طرح و رسمیت قانونی بخشیدن بدان ضربات جبران ناپذیری به حقوق پناهندگی وارد می شود. چنانکه بر اساس پارگراف ۴۳ آن، مرزهای آلمان بر روی پناهجویان باز هم بیشتر از پیش بسته خواهد شد و پناهندگانی که نیز موفق به ورود به آلمان گشته اند، تحت انواع و اقسام فشارهای اجتماعی قرار خواهند گرفت. محدودیت فعالیت سیاسی خارجی ها، کوچ اجباری آنان به اردوگاهها در صورت تشخیص دولت آلمان، اخراج خارجی ها به بهانه های چون "لطمه زدن به وضعیت بهداشت جامعه آلمان"، "نیاز به کمکهای اجتماعی" و یا لغو اجازه اقامت دانشجویانی که تحصیلاتشان به اتهام می رسد و دهها محدودیت دیگر از جمله پیامدهای این طرح است که با تصویب این طرح، سایه سیاه خود را بر زندگی ما می گسترانند.

این قانون تعرض همه جانبه ای به حقوق دمکراتیک ماست و آگاهی یافتن به جنبه ها و زوایای مختلف آن برای همگی ما ضروری است. اگر می خواهیم در مقابل این تعرض راسیستی و تبعیض گرایانه از حقوق مسلم خود دفاع کنیم، باید در قدم اول از این قانون شناخت بدست بیاوریم، بنابراین:

**پناهندگان:** اگر می خواهید از تاثیرات این قانون بر سرنوشت خود اطلاع حاصل کنید،  
**دانشجویان:** اگر می خواهید به وضعیت اقامت خود پس از اتمام تحصیلات آگاهی یابید،

**زنان:** اگر می خواهید از وضعیت اقامت مستقل خود اطلاع کسب کنید،

**فعالین سیاسی:** اگر می خواهید بر محدودیتهایی که این قانون بر سر راه فعالیت

تما ایجاد می کند، آگاه شوید،

در جلسه کردهایی ای که در راستای ارائه اطلاعات مشخص درباره این قانون ترتیب داده شده است شرکت کنید.

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران با دعوت از یکی از وکلای مترقی آلمان بنام Hans-Joachim Engster در این راستا و به منظور روشن تر شدن ابعاد هر چه بیشتری از این قانون و تاثیرات آن بروی سرنوشت و زندگی ما در آلمان، جلسه بحث و پرسش و پاسخی (به همراه ترجمه به زبان فارسی) ترتیب داده است. ما از همه علاقمندان دعوت می کنیم در این نشست شرکت کنند.

زمان: جمعه ۶ آوریل ۹۰ ساعت ۱۸

مکان: ساختمان اصلی دانشگاه - اتاق F128

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران - هانوفر - ۱۸/۲/۱۹۹۰

یاد شده نامه ای با انشاء زیبا ولی خالی از هر گونه روشنگری در نمایش انحرافات - سخنران تحریر نموده اند .

ایشان در همان ابتدای مطلبشان می نویسند ( ( این سخنرانی دارای هیچگونه پایه و دریافت تازه ای نبود ) ) می بنام دمکراسی در جماعت ایرانی به تنهایی تا کنون نه به بحث گذارده شده و نه از آن بعنوان يك مقوله مشخص نامی برده شده . بلکه هر آنکه بجای پیرامون حکومت حزب و یا سازمانی پیش آمده . بخشا در مسود دمکراسی نه به مفهوم واقعی کلمه ، هم اشاره ای گذارده شده . سخنران از زاویه ای دیگر تئوری مشخص خود به ایراد آن چیزی پرداخته که به نظر ایشان نامش دمکراسی بود . حال اگر پیرامون نکته اصلی یعنی لب کلام دمکراسی شاخ و برگ به ضمیمه داد می توان به او ایراد گرفت . اما برای رد نظریه اش یعنی آن چیزی که خود وی معتقد است ( سوسیالیسم ) نیاز به برهان است . پرسیدنی است که آسای امروزی با کدام استدلال سخنران دهریزی را به ورشکستگی منجم میکند .

انحرافات " اردوگاه سوسیالیسم " را به گردن هر سنگر توتشتی که نمی توان نهاد رد کمونیسم تازه خود بد ملی محم و استوار و روشن می طلبد . اگر دست امروزی ما دارای بدیله هم نباشد . ایرادی سخت بر او نمی توان گرفت . اما می توان از او خواست که نقدش روشن و گره گاه اصلی اش را مطرح تا شاید پیرامون نظراتش هر چه شگوفاتر بحثی را دامن زد . تا دیگران نیز یعنی ( ساده لوحان ) که متأسفانه اندک هم نیستند ( که اغلب در چنین اوضاعی بی مز و اندازه میروید و ارزش یک چنین عمل اجتماعی را فرا واقعی می کشند ) از نا آگاهی بدر آیند و بسه خیل دوستان امروزی ما به پیوندند .

اما متأسفانه ، نه در تب سخنرانی و نه در نامه دوست یا دوستان ( خستایار - آنا هید ) هیچ نقدی صورت نگرفته تا از کتبت ( کمبود شنودگان در قلمرو آگاهی ) سسای آگاهان بکاهد یا بپاهند . البته در آنتب یکی از دوستان امروزی که فتر می نسیم خیلی بیشتر از خیلی هم امروزی شده باشد با سوخی خنک خود انتظار داشت که با فرمومی بترسد .

پرسشگران که خیلی هم به پرسش خود اعتقادی نداشتند ( چون در غیر اینصورت صبر می کردند تا جواب دریافت کنند ) آن هنگام که سخنران خود را آماده پاسخ به ( پرسشان ) ایشان می کردند . صحنه خالی بود دوستان " دمکرات " رفت بودند . و سخنران بعلمت نبود پرسشگران از جواب صبره رفت . ایشان رفتند تا ایسین بار در نشریه پویش باز هم بدون روشنی مطلبی را عنوان کنند . تا نوه متوهمان همد جان محم و استوار باقی بماند . به هر رو در پایان پرسیدنی است که ( نوه توهم های دهریز موش برای امروز زانید ) . با موشهای طاعون زا و آلوده کننده محیط چه کار باید کرد ؟

م - ح هانوفر  
۲۲/۱/۹۰



نامه زیر در پاسخ به نامهای که در پویش شماره ۳ در رابطه با سخنرانی با فرمومی در هانوفر چاپ شد بود ، می باشد و یکی از دوستان آنرا برای چاپ در اختیار ما گذارده است . و ما برای اطلاع خوانندگان گرامی آنرا عینا به چاپ می رسانیم .  
طبیعتا مسئولیت نظرات مندرج در این نامه همانند نامه چاپ شده در پویش ۳ به عهده نویسنده آن می باشد .  
ماهنامه پویش

با توجه به تحولات ایجاد شده در کشورهای " اردوگاه سوسیالیستی " مدتی است مسئله دمکراسی بحث روز شده . ( صد البته همیشه مبارزان واقعی راه رهایی زحمتکشان از بند ستم طبقاتی مسئله دمکراسی جز مسائلشان بوده ) به همین خاطر بر سر هر زبان - بر صفحه هر روزنامه و در هر در هر دکانی واژه دمکراسی راننده نوشته و آویخته می شود . بدیهی است که بنسب به ملت نیاز به آزادی در هر شرایطی و بنا به اقتضای آن شرایط سخت کوشش نموده ، که آن را بدست آورد . پیش از آنکه به ماهیت واقعی اش بی برد یا حداقل حدود و مرز آن را بشناسد .

بر همین اساس آنچه را زمانی برای ایجادش پیگار کرده ، دهری نمی باید که برای در هم کوبیدنش مجهز می شود . تا جانشینی شایسته را دیگر بار با هیتسی نوین سامان دهد . اما این بسدسبیل نوجیت ؟ و یا آیا برستی شایسته است ؟ این خود مسئله ایست که جواب بدان بفرنج و از حوصله این قلم خارج است . حندی پیش بد عوت کتبت همبستگی با مبارزات مردم ایران آقای با فرمومی با انتخاب تبم دمکراسی - جهت ایراد سخن به هانوفر آلمان فری آمده بود . ایشان از دیدگاه " مارکسیستی " خودشان سعی بر روشن کردن مسئله دمکراسی را داشتند کوتاه سخن آنچه که آقای مومنی مطرح نمودند را قصد نقد ندایم . بلکه بیشتر به نحوه برخورد ده ای با ایشان در آن شب مد نظر است . که کوی ریشه اصلی انحرافات " اردوگاه سوسیالیسم " را در سخنان با فرمومی یافته بودند . پرهاشگر و خشمگین سعی بر تخطئه او داشتند . بجز ده ای معدود که سوالات - روشن و مشخص از سخنران نمودند .

همانطور که اشاره شد ده ای دیگر با خشمی هر چه تاملتر او را کتبت پست - دهریزی و ... ای آخر نامیدند . بپهر حال جلسه سخنرانی آن شب به پایان رسید . در پویش شماره ۳ ارگان کتبت همبستگی با مبارزات مردم ایران یکی از دوستان شب

اخبار

ادامه از صفحه ۹

در غیر اینصورت فردای ما پنا -  
هندگان به مراتب تیره و تارتر از امروز -  
زمان خواهد بود !  
(۱) برای اینکه به عمق فاجعه پی -  
بیریم ، کافی است در نظر داشته -  
باشیم که بر طبق آمار رسمی ، در سال  
۹۸۹ ادر صد قبولی پناهندگان چیزی  
حدود ۵/۸ بوده است . به عبارت  
دیگر این طرح ممکن است در آینده  
نزدیک يك شامل حال ۹۵ درصد از  
پناهندگان که مردود شده اند گردد  
★★★★

تصمیم جدید دادگاه کار آلمان  
در تاریخ ۱۵ فوریه ، دادگاه سراسری  
کار آلمان در کاسل تصمیمی اتخاذ  
نمود که بر مبنای آن ، از این پس

کارفرمایان میتوانند کارگران خارجی<sup>۴</sup>  
را که اجازه اقامتشان تعدید نشود ،  
اخراج نمایند .

★★★

تجدید نظر در حقانیت  
پناهندگان اروپای شرقی  
با وجود تحولات اخیر در اروپای  
شرقی ، حقانیت اهالی این کشور برای  
کسب پناهندگی در آلمان مورد واریسی  
مجدد قرار میگیرد .

★★★

حمله فاشیستها !

هاسبورگ ، در اواسط فوریه  
۲ تن از فاشیستها (Skinsheads)  
به دومرد ۴۷ ساله و ۶۴ ساله

حمله کردند . در نتیجه این حمله  
فرد مسن تر در دم جان سپرد و دیگری  
از ناحیه صورت بشدت مجروح گردیده  
و به بیمارستان منتقل شد . مهاجمین  
نیز دستگیر شده اند .

اعتصاب غذا در

آفریقای جنوبی

۳۴۳ زندانی سیاسی در آفریقای  
جنوبی از روز دوشنبه ۲۶ فوریه  
اعتصاب غذایی را به منظور فشار  
آوردن به رژیم نژاد پرست این کشور  
آغاز کرده اند .

دکلرک (de Klerk) رئیس ج آفریقای

جنوبی وعده داده است که ۷۷ زندانی  
سیاسی را آزاد خواهد کرد ، در صورتی  
که تا تاریخ ۲۰ فوریه تنها ۹ زندانی  
سیاسی آزاد شده اند .

## یادداشتی در حاشیه ضرورت برخورد بادین ومعرفی چند اثر از علی میر فطروس

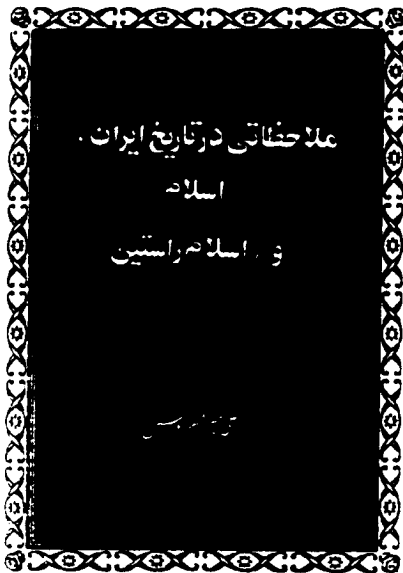
ناتوانی بشر در شناخت از پیچیدگیهای طبیعت دین را آفرید و تکلیف به آن سدا راه  
تکامل جوامع بشری شد. پس از آن در طول تاریخ، طبقات ارتجاعی، بزرگسایه دین چه  
جنایتها که آفریدند، چه اندیشههای انسان دوستانه‌ای که بزرگ تیغ، صلیب و مسجد و  
کلیسا کشیده شدند و جهانسانهایی که مصلوب گشته فرج آجین شده یا گردن زده شدند.  
در ایران نیز پس از هجوم صدر اسلام، قتل عامها و معرکه کتاب سوزاندن‌ها، اینبار نیز،  
رژیم از گوربیا خاسته اسلام، با سلاح دین و مذهب و اسلام ناب محمدی هراندیکسه  
آزادی خواهانه و عدالت طلبانه را تحت لوای کافرو مرتد و محارب به زیر تازیانه می‌شدند  
کردن می‌زند و سنگسار میکند.

اینکه چرا حکومت اسلامی در بطن یک جنبش توده‌های بقدرت خرید ظل کوناگونی دارد،  
که در اینجا جای بحث آن نیست، بی شک اما فقدان افشاکری وسیع و تبلیغ طبه  
خرافات و مذهب و دین، آسان که ریشه های این اوهام محط را از اندیشه هاپزداید  
یکی از ظل آن بوده است. در پشت سنگر این تفکر عقب مانده که نباید با سنت‌ها و  
باورهای توده‌ها در افتاد و تمین بدین تفکر، مبارزات انقلابی و حق طلبانه توده‌ها  
بزرگ اوهام اسلامی کشیده شد تا پرچم داران اسلام ناب محمدی، توده‌ها را به حصار  
میر کشند.

با این حال اما بودند کسانی که بر عواصم این تفکرات عقب مانده، هندار داده -  
بودند. بودند کسانی که در افشاکری در این باب تأکید نمودند.

بی گمان علی میر فطروس، نویسنده شاعر و محقق یکی از برجسته ترین آنهاست.  
وی با آثار ارزشمندش در افشای دین و بویژه اسلام، با ارائه یک رسته شواهد تاریخی  
دست بریده گذاشته است بیپرده نیست که وی و آثارش آماج تهدیدها و تحریفهای  
ارتجاع مذهبی از پهلوان اسلام ناب محمدی گرفته تا شوالیه‌ها بی همتان رجوی و قلم-  
بیزد انشعبار گرفته است.

اگر در گذشته، نمیی‌ها و عین الضات‌ها و... با صاوت ارتجاع مذهبی  
مثله شده و یا فرج آجین گردیدند، اما بر این گونه جنایتها که حاصل کار کرد واقعی  
دین است کمتر انگشت نهاده شد. و آسان نشد که روشنگری در باب جایگاه ارتجاعی  
مذهب در طول تاریخ به حافظه جامعه راه یابد، امروز که توده‌های مردم ایران بزرگ  
تیغ اسلام ناب محمدی قرار دارند و با گوشت و پوست و استخوان آنها درک میکنند،  
باید که افشاکری و روشنگری ماهیت دین و مذهب در حافظه جامعه تثبیت شود و این  
تلاشی است که میر فطروس‌ها مدتهاست، آغاز کرده اند.  
در اینجا، ضمن آرزوی موفقیت برای میر فطروس، در پیشتیرد و گسترش آثار ارزشمندش  
به معرفی برخی از آثار او می‌پردازیم.



برای تهیه آثار مذکور می‌توانید با  
آدرس زیر تماس بگیرید:

Farhang

B.T. 244

92205 Neuilly S/S

France

## اخبار ۲۰

تلاش هماهنگی CDU، CSU و FDP برای تصویب قانون خارجی

طی مرم مخالفت‌های فراوان با طرح نوبن قانون خارجیها، رژیم ائتلافی CDU-CSU  
دارد که قانون جدید خارجیها را خیلی سریع به تصویب برساند. دهموز (۲/۹۰)  
اولین بحث بر سر این پیش‌نویس در مجلس آلمان صورت گرفته است. در این جلسه  
FDP اتحاد نظر خود را با CDU-CSU اعلام نمود. سخنگوی FDP گفته که تمام نیروی خود  
را در جهت به تصویب رساندن این قانون و در اتحاد با دو حزب دیگر بکار خواهد  
گرفت.

این قانون از سوی SPD و گروه‌ها در این جلسه مورد انتقاد قرار گرفت. تا به  
حال همچنین اتحاد به DGB، کمیته، ادارات Wohlfahrt، گروه طرفدار پناهنده Asyl  
کلیساها و غیره این قانون را به نقد کشیده اند. از دید آنها این قانون شرایه  
پناهندگانی را که در اینجا زندگی می‌کنند بدتر می‌کند.

برخی از آثار منتشر شده میر فطروس:

- ۱- حلاج
- ۲- جنبش حرفیه و نهضت پسیخانیا
- ۳- اسلام شناسی
- ۴- پنداریک "نقد" و "نقدیک" "پندار"
- در باره اسلام و اسلامشناسی
- ۵- سرود آنکه گفت: نه!
- ۶- آوازهای تبعیدی
- ۷- جنگ سپند
- ۸- ملاحظات در تاریخ ایران، اسلام  
و اسلام راستین

**دعوت به کنگره دهم جنبش پناهندگان و مهاجرین**

در روزهای ۲۰ تا ۲۲ آپریل دهمین کنگره جنبش پناهندگان و مهاجرین در شهر هانوفر برگزار میشود .  
پیش بینی میشود در این کنگره صد هاتن از نمایندگان سازمانها ، تشکلهای و جریانات فعال در امور پناهندگان و مهاجرین و همچنین افراد علاقمند از سراسر آلمان و برخی از کشورهای اروپایی شرکت کنند .

موضوع محوری این کنگره نژاد پرستی و ناسیونالیسم در ارتباط با تحولات اروپا در سال ۱۹۹۲ میباشد و در این رابطه گروه های تحقیق و مطالعه تشکیل شده که این امر را از زوایای مختلف مانند " نژاد پرستی قانونیت یافته " ، " موضوع راست افراطی در اروپا " ، " مسئله نژاد پرستی در زندگی روزمره " و " ناسیونالیسم آلمان بزرگ و جنبش پناهندگی " و ... مورد تحقیق و بررسی قرار میدهند .

در طی کنگره این امکان فراهم است که تشکلهای ، جریانات و افراد مختلف بتوانند با تبادل اخبار ، اطلاعات و تجربیات خود در حوزه کار در جنبش پناهندگان و مهاجرین ، زمینه های را برای ارتباط منظم بین خود ایجاد نمایند و از این کانال مابانی را برای همکاری های بعدی و اتحاد عملیاتی بی ریزی نمایند .  
شرکت گسترده ما پناهندگان و مهاجرین تنها ضامن پیشبرد اهداف کنگره دهم و شریخش و مؤثر بودن آن خواهد بود .

زمان شروع کنگره : جمعه ۲۰ آپریل - ساعت ۱۹

مکان : IGS Roderbruch (Gesamtschule)  
Rote Kreuzstr. 23  
3000 Hannover Roderbruch

**در این بن بست**

دهانت را میبویند  
مبادا گه گفته باشی دوست می دارم .  
دل ترا میبویند  
روزگار غریبی است ، نازنین  
وغشقی را  
کنا و تیرک را هیند  
تازیا نه میزند .  
عشق را در بستوی خانه نهان باید کرد  
در این بن بست کج و بیج سرما  
آتش را  
به سوختن برود و شمر  
مروزان می دارند .  
به اندیشیدن خطر مکن .  
روزگار غریبی است ، نازنین  
آنکه بر در می کوبد سنا هنگام  
به کشتن چراغ آمده است .  
سوز را در بستوی خانه نهان باید کرد  
آنک ، ممانند  
بر گذرگاهها مستغر  
با کنده و سائوری چون آلود  
روزگار غریبی است ، نازنین  
و نسیم زار لب ها حراحی می کنند  
و نرا نه را بیدهان  
سوی را در بستوی خانه نهان باید کرد  
کنا پنهانی  
بر آتش بوس و باس  
روزگار غریبی است ، نازنین  
ایلیس بیرو روست  
سور عزای ما را بر سفره نهسته است .  
خدا را در بستوی خانه نهان باید کرد  
۲۱-۵۸ - احمدنا ملو

برای تماس با کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران میتوانید روزهای سه شنبه هر هفته از ساعت ۱۵ تا ۱۸ با شماره تلفن ۷۰۳۹۱۳ تماس بگیرید .  
کد آلمان : ۰۰۴۹  
کد هانوفر : ۰۵۱۱

**آدرس تماس :**  
Postlagerkarte  
Nr : 053249 C  
3000 Hannover 1  
W - Germany

شماره حساب بانکی  
Solidaritaetsverein  
mit iranischen Voelkern  
Stadtparkasse Hannover  
KTO : 501336  
BLZ : 25050180  
W - Germany